

حمله به جعفر
واکنش‌ها به اظهارات قائم‌پناهپیروزی از مسیر صلح
علی اکبر صالحیراز ارزهای گم‌شده
درباره برخورد قضایی با شبکه‌های تراسیتیمجازات مهریه آب رفت!
تصمیم نمایندگان اصولگرای مجلس

هشدار اژدهای

رئیس قوه قضائیه از احتمال راه‌اندازی شورش و آشوب در کشور سخن گفت



یادداشت روز

کماکان عدد نمی‌شناسید!

نقدی بر ادعاهای حجت‌الله عبدالملکی، وزیر کار دولت رئیسی



مجید فراهانی

معاون نظارت و هماهنگی
معاون اجرایی رئیس‌جمهور

اظهارنظر اخیر حجت‌الله عبدالملکی، وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی و عضو تیم اقتصادی دولت سیزدهم مبنی بر اینکه «گرانی‌ها یک درصد هم به جنگ مربوط نیست» بیش از آنکه یک تحلیل اقتصادی باشد، نیازمند یک پرسش ساده و اساسی است: این یک درصد دقیقاً چگونه محاسبه شده است؟

در اقتصاد، هیچ عددی بدون تعریف متغیر، دوره زمانی، داده و روش محاسبه، ارزش تحلیلی ندارد. اگر گفته می‌شود، سهم جنگ و محاصره اقتصادی ناشی از آن، از گرانی و تورم «کمتر از یک درصد» است باید مشخص شود، منظور کدام گرانی است؛ تورم عمومی؟ تورم خوراکی‌ها؟ افزایش قیمت تولیدکننده؟ یا افزایش قیمت یک گروه خاص از کالاها؟ همچنین باید معلوم باشد، مقایسه با چه سناریویی انجام شده است: اقتصاد ایران در شرایط جنگ و محاصره اقتصادی ناشی از آن در مقایسه با اقتصاد ایران بدون جنگ؟

مسئله مهم‌تر این است که نباید میان «علت ساختاری تورم» و «اثر جنگ بر تشدید تورم» خلط کرد. تردیدی نیست که تورم مزمن ایران ریشه‌هایی عمیق‌تر از یک جنگ دارد؛ از کسری بودجه و ناترازی‌های مالی و بانکی گرفته تا رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، تحریم‌ها، ضعف سرمایه‌گذاری و بی‌ثباتی سیاست‌گذاری. بنابراین اینکه بخش مهمی از تورم ایران پیش از جنگ نیز وجود داشته کاملاً قابل دفاع است. اما از این گزاره نمی‌توان نتیجه گرفت که جنگ و محاصره اقتصادی ناشی از آن «هیچ» یا «کمتر از یک درصد» اثر داشته است. جنگ و محاصره اقتصادی موجود می‌تواند از مسیرهای متعدد بر قیمت‌ها اثر بگذارد: افزایش ریسک سیاسی، تشدید انتظارات تورمی، اختلال در تجارت و حمل‌ونقل، افزایش هزینه بیمه و مبادلات، فشار بر بازار ارز، تغییر قیمت انرژی و مواد اولیه و افزایش بلاکنلیفی و نااطمینانی بنگاه‌ها به‌گونه‌ای که صندوق بین‌المللی پول نیز در تحلیل‌های منتشره سال ۲۰۲۶ خود صراحتاً از اثر جنگ بر قیمت کالاها، انتظارات تورمی و شرایط مالی سخن گفته است.

در مورد ایران، این تأثیرات البته اهمیت بیشتری دارند؛ زیرا اقتصاد کشور از قبل با محدودیت ارزی، تحریم، وابستگی به واردات برخی نهادها و بی‌ثباتی نرخ ارز مواجه بوده است. بنابراین یک شوک ژئوپلیتیک الزاماً به شکل ساده و مستقیم «قیمت یک کالا را بالا می‌برد» ظاهر نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند همان مشکلات موجود را تشدید کند. حتی بانک جهانی در گزارش خود درباره اقتصاد ایران از اختلال شدید فعالیت اقتصادی در پی درگیری و افزایش تورم، از جمله تورم بسیار بالای مواد غذایی، سخن گفته است.

بنابراین پرسش از آقای عبدالملکی این نیست که «آیا تمام گرانی‌ها ناشی از جنگ است؟» پاسخ این پرسش روشن است: خیر. پرسش دقیق‌تر این است: چگونه می‌توان، سهم جنگ را دقیقاً صفر یا کمتر از یک درصد اعلام کرد بدون آنکه مدل، داده و روش محاسبه آن ارائه شود؟

اگر چنین محاسبه‌ای وجود دارد، انتشار آن می‌تواند به یک بحث علمی ارزشمند تبدیل شود. کافی است داده‌های مورد استفاده، دوره زمانی، شاخص قیمت، متغیرهای کنترل و روش برآورد ارائه شود تا اقتصاددانان مستقل نیز بتوانند آن را بررسی کنند. اما اگر چنین محاسبه‌ای وجود ندارد، اعلام یک عدد بسیار دقیق مانند «کمتر از یک درصد» نهایتاً به فهم مسئله کمکی نمی‌کند بلکه می‌تواند، اعتماد عمومی به اظهارنظرهای اقتصادی را کاهش دهد.

| ادامه در صفحه ۲

آرایش شرقی

آیا شرق در کنار ایران، فقط می‌ایستد یا حاضر است برای دفاع از ایران هزینه هم بدهد؟ سازندگی به این موضوع پرداخته است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



ایران در کنار رهبران چین، روسیه و هند، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که تهران هنوز برای شکستن حلقه انزوای خود گزینه‌هایی در شرق دارد.

اما سوال اصلی این است که آیا شانگهای می‌تواند به کمک اقتصادی ایران بیاید؟ بله؛ اما باید توجه داشت که سازمان همکاری شانگهای یک اتحاد اقتصادی منسجم با نظام بانکی

و مالی مستقل نیست و حتی ایده ایجاد بانک توسعه، صندوق توسعه و صندوق سرمایه‌گذاری شانگهای هنوز در مرحله شکل‌گیری است. بنابراین نباید انتظار داشت که شانگهای بتواند یک‌شبه تحریم‌های آمریکا را خنثی کند یا منابع مالی مورد نیاز ایران را تأمین کند.

شانگهای پیمان نظامی یا یک ائتلاف ضدآمریکایی نیست و اختلاف منافع میان اعضای آن جدی است. اهمیت بیشکک برای ایران در جای دیگری است. در شرایطی که آمریکا می‌کوشد، ایران را از نظر اقتصادی و سیاسی منزوی کند، تهران نشان می‌دهد که هنوز در مرکز یکی از مهم‌ترین شبکه‌های قدرت در حال شکل‌گیری در آسیاست. مسئله اصلی از اینجا به‌بعد، تبدیل این حضور سیاسی به همکاری اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک واقعی است؛ وگرنه عکس‌های بیشکک، هرچقدر هم مهم باشند، برای اقتصاد و زندگی مردم ایران کافی نیستند.

| ادامه در صفحه ۳



قضائی

هشدار اژدهای

رئیس قوه قضائیه از احتمال راه‌اندازی شورش و آشوب در کشور سخن گفت



گروه سیاسی: رئیس قوه قضائیه با هشدار نسبت به احتمال راه‌اندازی آشوب و اقدامات ضدانمنیتی گفت: «دشمنان و مزدوران و اذئاب آنها بداند که نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی ما در بالاترین سطح آمادگی قرار دارند و قوه قضائیه نیز

در حوزه محاکمه و مجازات‌های عصری که بخواهند امنیت مردم و کشور را مخدوش کنند، قاطعانه‌تر از هر زمان دیگری عمل خواهد کرد». اژدهای، روز گذشته، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، ابتدا با اشاره به تلاش‌های دشمن برای ایجاد اختلاف و تفرقه در کشور بر ایستادگی جمهوری اسلامی و حفظ وحدت تأکید و اظهار کرد: «به‌رغم همه توطئه‌های دشمنان و دروغ‌پرازی‌ها و شایعه‌پراکی‌های آنان، آحاد ملت و مسئولان دلسوز نظام در برابر دشمن، متحد و یکصدا هستند؛ ما هرگز در مقابل آمریکا کوتاه نخواهیم آمد و تا آخر ایستاده‌ایم؛ این موضع مشترک و یکدلانه همه مردم و مسئولان است؛ دشمن محاسبات اشتباه نکند و در خیال خام شکل‌گیری تفرقه در کشور نباشد». او در ادامه، حفظ انسجام ملی را یکی از محورهای مورد تأکید رهبری دانست و گفت: «رهبری معظم انقلاب در پیام‌های روشن‌گرانه و ثاقبی که صادر می‌فرمایند بر ضرورت تحکیم وحدت و انسجام ملی تأکید و ابرام می‌ورزند». بخش دیگری از سخنان رئیس دستگاه قضا مستقیماً به احتمال شکل‌گیری آشوب و اقدامات ضدانمنیتی اختصاص داشت؛ اژدهای نسبت به تلاش دشمن و عوامل آن برای ایجاد ناامنی هشدار و از آمادگی دستگاه‌های مسئول برای مقابله با چنین اقداماتی خبر داد. رئیس دستگاه قضا همچنین با هشدار به دشمن و وابستگان او که در سودای تدارک اقدامات ضدانمنیتی هستند به آمادگی بالای بخش‌های متولی تحکیم امنیت کشور اشاره و بیان کرد: «دشمن از طریق مزدورانش در داخل در سودای مخدوش کردن امنیت مردم ما و راه‌اندازی آشوب به‌سر می‌برد؛ در صورت وقوع چنین خط و خطایی از ناحیه دشمن، پاسخ محکمی به او و مزدورانش می‌دهیم؛ دشمنان و مزدوران و اذئاب آنها بدانند که نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی ما در بالاترین سطح آمادگی قرار دارند و قوه قضائیه نیز در حوزه محاکمه و مجازات‌های عصری که بخواهند امنیت مردم و کشور را مخدوش کنند، قاطعانه‌تر از هر زمان دیگری عمل خواهد کرد. تحکیم امنیت و مقابله قاطع با عناصر ضدانمنیتی، جزء آن دست از مقلولاتی است که آحاد مردم و مسئولان ما، در باب آن، اتفاق‌نظر دارند». رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به «پاسخ کوبنده سپاه و ارتش به متجاوزان آمریکایی» در پی حمله به جزیره لارک، تصریح کرد: «دشمنان بدانند که ایران اسلامی اکنون بیش از هر زمان دیگری، آمادگی برای رویارویی با متجاوزان را دارد».

ادامه یادداشت روز

کماکان عدد نمی‌شناسید!

از سوی دیگر، تجربه مدیریتی یک فرد حتی اگر وزیر، استاد دانشگاه یا عضو تیم اقتصادی دولت بوده باشد، جایگزین شواهد اقتصادی نمی‌شود. در اقتصاد، عنوان گوینده اعتبار ادعا را تعیین نمی‌کنند؛ داده و روش تعیین می‌کنند. نکته دیگری نیز وجود دارد که شاید از خود ادعا مهم‌تر باشد. مردم امروز با افزایش قیمت کالاها و کاهش قدرت خرید مواجهند. برای آنها اختلاف بر سر اینکه «جنگ یک درصد مقصر است یا پنج درصد» مسئله اصلی نیست. مسئله اصلی این است که چه سیاستی می‌تواند تورم را مهار کند، قدرت خرید را حفظ کند و ناطمینانی اقتصادی را کاهش دهد. اگر جنگ سهمی در گرانی دارد، انکار آن سیاستگذار را از طراحی راهکارهای مناسب برای کاهش آثار جنگ بازمی‌دارد. اگر جنگ سهم اصلی را ندارد، اتفاقاً باید با شفافیت بیشتری درباره ریشه‌های داخلی تورم سخن گفت و مسئولیت سیاستگذاری‌های گذشته که چنین نتایجی به‌بار آورده را پذیرفت.

اقتصاد با فهرست کردن عناوین و مسئولیت‌های گذشته اداره نمی‌شود؛ با عدد، داده، مدل و پاسخگویی اداره می‌شود. مرحوم ترکان سال‌ها پیش به آقای عبدالملکی گفت: «شما چطور اقتصاددانی هستید که عدد را نمی‌شناسید؟ والله که عدد را نمی‌شناسید». شاید امروز، پیش از آنکه درباره سهم جنگ در گرانی حکم قطعی بدهیم، بد نباشد یک بار دیگر به همان هشدار قدیمی مرحوم ترکان برگردیم: در اقتصاد، اول باید عدد را شناخت؛ بعد درباره آن قضاوت کرد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

حمله به جعفر

واکنش‌ها به اظهارات محمدجعفر قائم‌پناه درباره امکان دست کشیدن از غنی‌سازی



عاطفه شمس

گروه سیاسی

یک جمله از معاون اجرایی رئیس‌جمهور کافی بود تا دوباره پرونده‌ای که قرار بود پشت درهای سیاست خارجی و اتاق‌های مذاکره بماند به وسط میدان سیاست داخلی کشیده شود. محمدجعفر قائم‌پناه گفت اگر می‌دانست آمریکا قصد دارد، رهبر جمهوری اسلامی را به شهادت برساند، حاضر بود از غنی‌سازی دست بکشد. استدلالش هم روشن بود: وقتی می‌توان با واگذاری یک مؤلفه از هزینه‌های بزرگ‌تری مانند حمله به پالایشگاه‌ها، صنایع و زیرساخت‌ها جلوگیری کرد، «خردمندی» حکم می‌کند، کم‌هزینه‌ترین راه انتخاب شود. اما همین گزاره خیلی زود از یک اظهارنظر درباره هزینه جنگ به مناقشه‌ای بر سر معنای «مصلحت»، «بازدارندگی» و حتی تعریف منافع ملی تبدیل شد.

اما ماجرا وقتی وارد مرحله تازه‌ای شد که یوسف پزشکیان، فرزند و مشاور رئیس‌جمهور، به دفاع از قائم‌پناه پرداخت. او نوشت: «غنی‌سازی نه اصول دین و نه ناموس ما» و تأکید کرد که نباید مسائل را «ناموسی» کرد تا کسی نتواند درباره آن بحث کند. از نگاه او، معیار باید منافع کشور باشد: اگر غنی‌سازی یا موشک برای ایران منفعت دارد، حفظ شود و اگر ندارد باید درباره کنار گذاشتن آن تصمیم گرفت.

همین دفاع، آتش اختلاف را بیشتر کرد. کیهان که پیش از آن به‌شدت قائم‌پناه را هدف گرفته بود، این بار به سراغ پسر رئیس‌جمهور رفت و نوشت، دفاع یوسف پزشکیان از معاون اجرایی «غیرمنطقی و شبهه‌ساز» است. این روزنامه در ادامه با کنایه به سخنان اخیر پزشکیان درباره زمین‌کشاوری‌اش نوشت: «آقای دکتر! پسران را هم به همان زمین‌کشاوری بفرستید».

عقالت‌یا عقب‌نشینی؟

قائم‌پناه در سخنان خود درباره جنگ و هزینه‌های حملات آمریکا گفته بود: «من اگر بودم و می‌دانستم آمریکا می‌خواهد رهبرمان را شهید کند، دست از غنی‌سازی برمی‌داشتم». او سپس از زیرساخت‌هایی گفت که هدف حمله قرار گرفته‌اند: «چرا صنایع ما را بزنند؟ چرا راه‌های ما را بزنند؟ چرا پالایشگاه و عسلو به ما را بزنند؟ برق زدن، پالایشگاه زدن یعنی بیکاری زیاد شود». بعد هم منطق خود را در یک جمله خلاصه کرد: «خردمندی و خردورزی این است که برای هدفی که می‌شود با کمترین هزینه به‌دست آورد، هزینه زیاد پرداخت نکنیم. چه هزینه‌ای بالاتر از شهادت مقام معظم رهبری؟» و در پایان گفت: «قرار نیست همه ما شهید شویم، قرار است ایران بماند».

در ظاهر، حرف قائم‌پناه درباره انتخاب میان هزینه‌های جنگ بود؛ اما منتقدان او برداشت دیگری داشتند. آنها می‌گفتند معنای سیاسی این سخن، آن است که اگر آمریکا فشار بیشتری وارد کند، ایران می‌تواند از مؤلفه‌های قدرت خود عقب‌نشینی کند؛ و این دقیقاً همان سیگنالی است که ممکن است طرف مقابل را به فشار بیشتر ترغیب کند. بنابراین نخستین پاسخ‌ها از جبهه منتقدان آمد. محمدسعید احدیان، دستیار سیاسی و رسانه‌ای رئیس مجلس هشدار داد که

سیاست

پیروزی از مسیر صلح

علی اکبر صالحی: اگر ملتی تاریخ نخواند، مجبور به تکرار تجربه‌های آن است

گروه سیاسی: جنگ یا مذاکره؟ این دوگانه، یکی از قدیمی‌ترین پرسش‌های سیاست خارجی است؛ اما پاسخ آن، به تعبیر علی‌اکبر صالحی، نسخه‌ای ثابت و همیشگی ندارد. گاهی انتخاب جنگ است و گاهی مذاکره؛ آنچه تعیین‌کننده است، تشخیص درست شرایط، ارزیابی موازنه قدرت و انتخاب ابزاری است که منافع ملی را بهتر تأمین کند. رئیس بنیاد ایران‌شناسی و وزیر اسبق امور خارجه، در گفت‌وگو با اینا، در پاسخ به این پرسش که در تأمین منافع ملی «علی‌الاصول» باید جنگید یا مذاکره کرد به سیره پیامبر (ص) استناد کرد و گفت: «باید نگاه کنیم و ببینیم حضرت رسول (ص) چگونه برای صلح و برای جنگ تصمیم می‌گرفت» و ادامه داد: «بنده اعتقاد دارم، حضرت رسول (ص) از مسیر صلح حدیبیه به فتح مکه رسید».

وزیر اسبق امور خارجه برای توضیح این نگاه به یکی از بزنگاه‌های مهم تاریخ اسلام، یعنی «صلح حدیبیه»، ارجاع می‌دهد: جایی که پیامبر اسلام (ص) در شرایطی که امکان رویارویی مستقیم وجود نداشت، صلح را پذیرفت و به تعبیر صالحی از همین مسیر به فتح مکه رسید. در چنین شرایطی، انتخاب صلح به‌معنای کنار گذاشتن هدف نبود بلکه تصمیمی برای مدیریت شرایط و حفظ ظرفیت‌های موجود بود.

باید مراقب «خطای محاسباتی» بود و نوشت، تعلیق غنی‌سازی یا واگذاری امتیازاتی مانند تنگه هرمز لزوماً آمریکا را از ادامه اقداماتش منصرف نمی‌کند. به اعتقاد او، راه درست، گرفتن حقوق ملت ایران با «هماهنگی و وحدت میان همه ارکان کشور» است و سخنان قائم‌پناه به این وحدت آسیب می‌زند.

کیهان اما حمله را بسیار فراتر برد. این روزنامه در مطلبی با عنوان «قائم‌پناه و زنده شدن منطق ترکمانچای» سخنان معاون اجرایی رئیس‌جمهور را «پارادوکسیکال» دانست و مدعی شد چنین رویکردی در واقع «منطق باج دادن» را به‌نام مصلحت و عزت‌توریزه



می‌کند. کیهان استدلال کرد اگر ایران با فشار آمریکا از بخشی از داشته‌ها و ظرفیت‌های خود عقب بنشیند این عقب‌نشینی لزوماً خواسته‌های طرف مقابل را متوقف نمی‌کند. این روزنامه همچنین از پزشکیان خواست درباره مواضع معاون اجرایی خود، موضع‌گیری کند و حتی نوشت: «باید مانع حضور این افراد در هیأت دولت شود».

دفاع باستور از قائم‌پناه

اما دولت هم ساکت نماند. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در واکنش به جنجال ایجادشده گفت، دولت «فقدان رهبری شهید» را سسنگین‌ترین هزینه جنگ می‌داند و از این منظر سخن قائم‌پناه را «روشن و قابل فهم» توصیف کرد. مهاجرانی البته هم‌زمان بر وحدت و انسجام ملی تأکید کرد؛ یعنی تلاش کرد، بحث را از میدان مناقشه درباره اصل سخنان به مسئله بزرگ‌تری یعنی حفظ انسجام سیاسی کشور منتقل کند.

در ادامه عباس رضایی‌شرمین، مدیرکل حوزه ریاست معاونت اجرایی رئیس‌جمهور، نیز به دفاع از قائم‌پناه پرداخت؛ او روایت غیبت قائم‌پناه از روزهای جنگ را رد کرد و نوشت روز نخست حمله، قائم‌پناه با وجود ممانعت نیروهای حفاظت برای اطلاع از وضعیت رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور به سمت محدوده هدف قرار گرفته، رفت. به گفته او، قائم‌پناه در روزهای بعد نیز در جلسات و پیگیری امور دولت حاضر بود، برای پیگیری تأمین سوخت به شرکت ملی پالایش و پخش رفت و برای اطمینان از پرداخت مستمری بازنشتگان در سازمان تأمین اجتماعی حاضر شد. او در ادامه نوشت: «قائم‌پناه را نقد کنید. درباره سخنانش سخت‌گیر باشید و از او توضیح بخواهید ولی بی‌انصافی نکنید».

پیامبر گرامی صلوات‌الله‌علیه نگاه کن؛ ببین در زمانی که ضعیف بود چه تبدیری کرد، در زمان صلح چگونه عمل کرد و در زمانی که قدرت داشت، چگونه رفتار کرد».

صالحی در ادامه «عقالت» را یکی از پایه‌های اصلی این شیوه تصمیم‌گیری می‌داند و با اشاره به سیره پیامبر (ص) می‌گوید: «پیامبر ما نه عصای موسی داشت که دریا را بشکافد و نه نفس مسیحایی داشت که مرده را زنده کند. معجزه رسول خدا(ص) قرآن کریم بود؛ یعنی براساس «أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ»، «أَفَلَا يَعْلَمُونَ» و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» عمل می‌کردند». او تأکید می‌کند: «اسلام به‌عنوان دین خاتم‌الادیان و رسول خدا به‌عنوان خاتم‌الانبیاء، عقل را مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری قرار دادند». سخنان صالحی در شرایطی مطرح می‌شود که انتخاب میان «مذاکره» و «تقابل» همچنان یکی از محورهای اصلی بحث درباره سیاست خارجی و تأمین منافع ملی است. او در این میان، به‌جای ارائه یک پاسخ صفر و یکی بر ضرورت توجه به شرایط و استفاده از تجربه تاریخی تأکید دارد. وزیر اسبق امور خارجه معتقد است، نمی‌توان جنگ یا مذاکره را فارغ از شرایط به‌عنوان یک راهبرد دائمی تعریف کرد؛ بلکه تصمیم درست، تصمیمی است که بر مبنای ارزیابی موقعیت و موازنه قدرت اتخاذ شود.

صالحی در ادامه «عقالت» را یکی از پایه‌های اصلی این شیوه تصمیم‌گیری می‌داند و با اشاره به سیره پیامبر (ص) می‌گوید: «پیامبر ما نه عصای موسی داشت که دریا را بشکافد و نه نفس مسیحایی داشت که مرده را زنده کند. معجزه رسول خدا(ص) قرآن کریم بود؛ یعنی براساس «أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ»، «أَفَلَا يَعْلَمُونَ» و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» عمل می‌کردند». او تأکید می‌کند: «اسلام به‌عنوان دین خاتم‌الادیان و رسول خدا به‌عنوان خاتم‌الانبیاء، عقل را مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری قرار دادند». سخنان صالحی در شرایطی مطرح می‌شود که انتخاب میان «مذاکره» و «تقابل» همچنان یکی از محورهای اصلی بحث درباره سیاست خارجی و تأمین منافع ملی است. او در این میان، به‌جای ارائه یک پاسخ صفر و یکی بر ضرورت توجه به شرایط و استفاده از تجربه تاریخی تأکید دارد. وزیر اسبق امور خارجه معتقد است، نمی‌توان جنگ یا مذاکره را فارغ از شرایط به‌عنوان یک راهبرد دائمی تعریف کرد؛ بلکه تصمیم درست، تصمیمی است که بر مبنای ارزیابی موقعیت و موازنه قدرت اتخاذ شود.

او درباره اهمیت تاریخ‌نیز می‌گوید: «اگر ملتی تاریخ را نخواند مجبور است تجربه‌های آن را تکرار کند. این خیلی مهم است. کتاب تاریخ را می‌خوانیم تا بیاموزیم. درست است که شرایط عیناً تکرار نمی‌شود اما خیلی از نکات در تاریخ آموزنده است».



منتقدی از درون خودی‌ها

در این میان واکنش محمدرضا جلالی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب اهمیت دیگری داشت. جلالی‌پور با اصل ضرورت محاسبه هزینه‌های جنگ مخالفت نکرد اما با شیوه صورت‌بندی قائم‌پناه مشکل داشت. او «موازنه‌نمایی» میان جان فرمانده کل قوا با معیشت مردم با «حق غنی‌سازی» را منطقی اشتباه و خطرناک دانست و هشدار داد این شیوه استدلال می‌تواند به «شیب لغزنده» تبدیل شود؛ شبی که در ادامه ممکن است واگذاری دیگر مؤلفه‌های قدرت، از توان موشکی و تنگه هرمز تا استقلال راهبردی دیپلماتیک و حتی تمامیت ارضی را توجیه کند. سیدرضا میرمعینی، فعال سیاسی و رسانه‌ای در نقد جلالی‌پور استدلال کرد که نمی‌توان صرفاً با فهرست کردن مؤلفه‌های قدرت از غنی‌سازی به تمامیت ارضی رسید. از نگاه او غنی‌سازی و توان موشکی ابزارند و امنیت و استقلال، هدف. بنابراین ابزارها باید در نسبت با هدف، هزینه و فایده‌شان سنجیده شوند.

در همین چارچوب، مجتبی شاکری، دبیرکل جمعیت جانبازان انقلاب اسلامی نیز سخنان قائم‌پناه را «عقب‌نشینی استراتژیک» توصیف کرد و با اشاره به تجربه لیبی و عراق، استدلال کرد که خلع‌سلاح یا واگذاری مؤلفه‌های قدرت الزاماً امنیت نمی‌آورد. منتقدان می‌گویند ایران اگر بخواهد از حمله جلوگیری کند، باید هزینه حمله را برای دشمن بالا ببرد، نه اینکه هزینه جلوگیری از حمله را با واگذاری مؤلفه‌های قدرت پایین بیاورد.

در این میان، پایگاه اطلاع‌رسانی تابناک نیز از منتقدان صریح قائم‌پناه بود و پرسید آیا قرار است «تهدید دشمن، مبنای تعیین حقوق و خطوط قرمز ایران» باشد؟ این سایت هشدار داد، عقب‌نشینی برای جلوگیری از هزینه‌های می‌تواند طرف مقابل را به طرح مطالبات بیشتر ترغیب کند و تأکید کرد، مسئله فقط غنی‌سازی نیست بلکه «حق و استقلال ایران» است. تابناک در ادامه، با انتشار مطالبی درباره اظهارات قائم‌پناه و دفاع یوسف پزشکیان، انتقاد خود را تشدید کرد و در مطلبی با عنوان «آغاز مطالبه برکناری معاون رئیس‌جمهور» از عبور ماجرا از سطح یک اختلاف‌نظر و شکل‌گیری مطالبه برکناری قائم‌پناه خبر داد. این سایت همچنین اظهارات او را «مغلطه» خواند و در مطلب دیگری با عنوان «معاون پزشکیان، خط قرمز نظام را زیر سوال برد» این بحث را به موضوع خطوط قرمز سیاست هسته‌ای پیوند زد. در طرف مقابل اما استدلال قائم‌پناه و حامیانش یک نقطه مهم دارد: کشور برای حفظ ابزارهای قدرت ساخته نشده است؛ ابزارهای قدرت برای حفظ کشورند. اگر یک مؤلفه قدرت به قیمت نابودی زیرساخت، افزایش بیکاری، فشار اقتصادی و کشته شدن مردم تمام شود، آیا همچنان می‌توان آن را بدون محاسبه هزینه حفظ کرد؟ در واقع شاید دعوی اصلی بر سر معنای «مصلحت» باشد. اما آنچه روشن است اینکه اظهارات قائم‌پناه به این زودی‌ها از فضای سیاسی خارج نخواهد شد و دولت با یک مسئله دشوار روبه‌روست؛ چگونه می‌توان درباره آینده برنامه هسته‌ای و نسبت میان مذاکره، بازدارندگی و هزینه‌های جنگ حرف زد، بدون آنکه هر بحثی به‌معنای عقب‌نشینی تعبیر شود؟ قائم‌پناه شاید ناخواسته یکی از حساس‌ترین پرسش‌های سیاست خارجی ایران را به زبان آورد؛ اینکه اگر هدف نهایی «ایران» است برای حفظ ایران تا کجا باید بر ابزارهای قدرت پافشاری کرد؟



است. او گفت: «همه شوکه شدند. من غافلگیر شدم». ترامپ همچنین مدعی شد، حملات ایران باعث از بین رفتن حمایت منطقه‌ای از تهران شده است. اما مهم‌ترین بخش سخنان او تهدید مستقیم به پاسخ نظامی بود. ترامپ در واکنش به حمله ایران به یک پایگاه آمریکایی در اردن گفت، واشنگتن پاسخ خواهد داد. او خطاب به ایران هشدار داد: «ما به آنها ضربه سختی وارد خواهیم کرد. پاسخ داده خواهد شد».

بهای هرمز

در پس این تبادل حملات، یک ابربحران مهم به‌نام تنگه هرمز وجود دارد. در روزها و هفته‌های منتهی به جنگ، بارها درباره پیامدهای تشدید تنش در این آبراه استراتژیک هشدار داده شد. محاصره اقتصادی، فشار مستقیم بر صادرات و واردات، افزایش قیمت کالاها و تورم فزاینده، بخشی از پیامدهایی است که در داخل کشور احساس می‌شود. همزمان آمریکا مدعی عبور بشکمه‌های نفت از تنگه هرمز است؛ ادعایی که اهمیت این آبراه را در معادلات جنگی نشان می‌دهد.

پیامد جنگ

یکی از مهم‌ترین پیامدهای نظامی جنگ، آسیب دیدن یا از بین رفتن سامانه‌های راداری مستقر در جنوب ایران و تجهیزات مرتبط با کنترل و پایش تنگه هرمز است. از دست رفتن این زیرساخت‌ها فقط یک خسارت نظامی نیست. کاهش توان مراقبت و رصد می‌تواند، توان ایران برای کنترل تحولات دریایی در یکی از حساس‌ترین نقاط منطقه را نیز محدود کند و شاید نگرانی اصلی همین‌جا باشد: بحران دیگر فقط درباره نفت، کشتی‌ها یا حتی موشک‌ها نیست.

ایران با ترکیبی از فشار نظامی، محاصره اقتصادی و بن‌بست دیپلماتیک روبه‌روست؛ شرایطی که در آن حتی طرف مقابل نیز ظاهراً تمایل چندانی برای ورود جدی به مذاکرات نشان نمی‌دهد. لارک شاید فقط یک جزیره کوچک در خلیج فارس باشد اما حمله به آن، بار دیگر نشان داد که شعله جنگ هنوز خاموش نشده است. تنگه هرمز همچنان روی خط آتش قرار دارد و هر حمله تازه می‌تواند، منطقه را یک گام دیگر به سمت دور تازه‌ای از درگیری بکشاند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۲۱۳۰۰۰۲۲۱۰۰۳۰۵۶۴ مورخ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم زهرا مختاری صالح آبادی به شناسنامه شماره ۸۰۶ کدملی ۱۲۸۶۹۵۱۵۹۲ صادره فرزند نعمت الله در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۵۸۴.۲۷ متر مربع مجزا شده از پلاک شماره ۱۰۹ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأیید انتقال عادی و مع الواسطه از طرف احمد ساکتی که به موجب صفحه ۵۸۶ دفتر اول املاک به عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می باشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۴۸۸۲۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۵.۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۶.۱۰
مهدی صادقی وصفی – رئیس ثبت اسناد و املاک

و تداوم محاصره دریایی و جنگ اقتصادی علیه ایران، متوجه رژیم آمریکا و کلیه طرف‌هایی است که به هر نحوی در تدارک و اجرای اقدامات غیرقانونی و متخلفانه آمریکا همدستی و مشارکت می‌کنند.

ادعای ترامپ

در سوی دیگر، دونالد ترامپ با لحنی تندتر از گذشته به تحولات واکنش نشان داد. رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی در تروث‌سوشال مدعی شد، ایران «به‌طور رسمی یک کشور شکست‌خورده» است و آن را «مرده» توصیف کرد. ترامپ مدعی شد، ایران نیروی دریایی و نیروی هوایی ندارد، ارز ندارد، قادر به پرداخت حقوق سربازان و پلیس خود نیست و نرخ تورم آن به ۳۰۰ درصد رسیده است. او همچنین ادعا کرد، رهبری ایران در «هرج‌ومرج کامل» قرار دارد و قادر به نمایندگی مناسب از کشور نیست. ترامپ در ادامه بدون ارائه شواهد در همان پیام، مدعی شد بیش از ۱۰۰ هزار نفر از معترضان در ایران کشته شده‌اند و رهبران جمهوری اسلامی را مستحق محاکمه به اتهام جنایات جنگی علیه بشریت دانست.

نگرانی هسته‌ای

ترامپ در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز که بامداد دوشنبه پخش شد، بار دیگر موضوع سلاح هسته‌ای ایران را به‌عنوان یکی از دلایل اصلی سیاست نظامی واشنگتن مطرح کرد. او مدعی شد اگر ایران سلاح هسته‌ای داشت و از آن استفاده می‌کرد، اسرائیل و بخش بزرگی از خاورمیانه ممکن بود نابود شوند و پس از آن آمریکا و اروپا نیز در معرض خطر قرار گیرند. ترامپ گفت: «فکر می‌کنم خاورمیانه اساساً از بین رفته بود، اسرائیل قطعاً از بین رفته بود». او افزود که ایران نباید اجازه داشته باشد به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و تأکید کرد: «آنها سلاح هسته‌ای نخواهند داشت».

تهدید به پاسخ

رئیس‌جمهور آمریکا در بخش دیگری از این مصاحبه گفت، زمانی که ایران در آغاز جنگ، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و کویت را هدف قرار داد، غافلگیر شده

سپاه این پهپاد توسط سامانه‌های موشکی پدافند هوایی هدف قرار گرفت و پس از اصابت در آب‌های خلیج فارس سقوط کرد.

هزینه سنگین

حسین محبی، مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران، حمله به جزیره لارک را یک «خطای راهبردی و مهلک» از سوی دولت دونالد ترامپ توصیف کرد. او گفت آمریکا پیامدهای این اقدام را «در هر دو عرصه اقتصادی و نظامی» خواهد پرداخت و هشدار داد که این اقدام می‌تواند «موازنه را علیه طراحان آن تغییر دهد» و «هزینه‌های سنگینی» به همراه داشته باشد.

وزارت امور خارجه کشورمان در بیانیه‌ای درباره تجاوز نظامی آمریکا به لارک و پاسخ دفاعی ایران اعلام کرد: ارتش آمریکا در شامگاه یک‌شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۵ بار دیگر با نقض حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران به بخش‌هایی از جزیره لارک حمله کرد که بر اثر آن چند تن از مدافعان غیور میهن و هموطنان عزیزمان شهید و مجروح شدند و خساراتی به دارایی‌های عمومی و خصوصی وارد آمد. در واکنش به این تجاوز نظامی و طبق حق ذاتی دفاع مشروع، نیروهای مسلح مقتدر ایران اسلامی پایگاه‌های نظامی آمریکا واقع در کشور اردن را که مبدأ و پشتیبان تجاوز نظامی آمریکا علیه کیسان ایران بود مورد ضربات دفاعی و کوبنده خود قرار دادند.

همچنین در این بیانیه آمده است: وزارت امور خارجه ضمن محکوم کردن شدید تجاوز نظامی آمریکا به لارک، که نقض آشکار بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل است، مسئولیت شورای امنیت سازمان ملل متحد و شخص دبیر کل را برای ایفای مسئولیت‌هایشان جهت پاسداشت صلح و امنیت بین‌المللی و پاسخگو کردن طرف متجاوز یادآور می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران به دبیر کل سازمان ملل، رئیس شورای امنیت و کلیه دولت‌هایی که مراتب نگرانی خود را از ادامه ناامنی در خلیج فارس و تنگه هرمز ابراز کرده‌اند، یادآور می‌شود که تنها عامل ناامن شدن مسیر کشتیرانی در منطقه اقدامات غیرقانونی و تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده که با حمله به ایران در ۲۸ فوریه (۹ اسفند ۱۴۰۴) شروع شد و در ۶ ماه گذشته به اشکال مختلف از جمله محاصره دریایی و سایر اقدامات تحریک‌آمیز و مداخله‌جویانه ادامه یافته است.

وزارت امور خارجه کشورمان تأکید می‌کند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع تردید نخواهند کرد و به نحو مقتضی به هر تجاوز نظامی دشمن، قاطعانه پاسخ خواهند داد. بدیهی است مسئولیت کامل پیامدهای اقدامات تجاوزکارانه جدید آمریکا منافع ملی خودشان را دنبال می‌کنند. حتی چین با وجود رابطه اقتصادی عمیق با تهران، تاکنون تعهد دفاعی رسمی برای حمایت از ایران نپذیرفته است.

بنابراین شانکهای برای ایران یک فرصت است، نه معجزه. اگر تهران بتواند حضور خود در این سازمان را به قراردادهای واقعی، تجارت پایدار، سرمایه‌گذاری، توسعه کریدور شمال- جنوب، گسترش تجارت با ارزهای ملی و ایجاد مسیرهای بانکی و حمل‌ونقل مستقل تبدیل کند، شانکهای می‌تواند بخشی از فشار اقتصادی آمریکا را خنثی کند. اما اگر حاصل اجلاس فقط چند عکس و چند بیانیه سیاسی باشد برای اقتصادی که زیر فشار جنگ، تحریم و محاصره مالی قرار گرفته، اتفاق بزرگی رخ نداده است. مسئله اصلی ایران در بیشکک همین است. آیا شرق فقط در کنار ایران می‌ایستد یا حاضر است برای ماندن ایران در اقتصاد آسیا هزینه هم بدهد؟

ملاقات مهم شرق

اما شاید مهم‌ترین تصویر سیاسی اجلاس، دیدار ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ باشد؛ دو رهبری که روابط کشور‌هایشان یکی از ستون‌های اصلی نظم در حال شکل‌گیری در شرق محسوب می‌شود. کاخ کرملین اعلام کرده که دو طرف درباره مسائل کلیدی دستورکار بین‌المللی گفت‌وگو کردند. پوتین در این دیدار از آمادگی مسکو برای لغو دامن‌ی روایت با چین خبر داد و روابط

گروه بین الملل: تنگه هرمز بار دیگر به کانون رویارویی ایران و آمریکا تبدیل شد. حمله نیروهای آمریکایی به دو پرتابگر ایرانی در جزیره لارک درحالی که به گفته گزارش‌ها، نیروهای سپاه در حال آمادسازی برای شلیک راکت‌های حامل مین دریایی بودند، جرقه دور تازه‌ای از تنش را زد؛ تنش‌ی که با کشته و زخمی شدن نیروهای ایرانی، پاسخ موشکی و پهپادی سپاه به دو پایگاه هوایی در اردن، ادعای سرنگونی یک پهپاد آمریکایی و تهدید مستقیم دونالد ترامپ به پاسخ نظامی همراه شد.

جرقه از لارک

براساس گزارش‌های منتشرشده، نیروهای سپاه پاسداران در جزیره لارک مشغول آمادسازی برای شلیک راکت‌های حامل مین دریایی به سوی تنگه هرمز بودند که دو پرتابگر ایرانی هدف حمله قرار گرفتند. گزارش‌ها حاکی از آن است که این حمله در دو نوبت و با فاصله‌ای کوتاه از یکدیگر انجام شده است. در نتیجه این حمله، به گفته گزارش‌های اولیه، دو نفر از نیروهای ایرانی کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند. همچنین خبرهایی درباره مجروح شدن شماری از شهروندان در این حادثه منتشر شده است. همزمان صداهای انفجار در حوالی سیریک شنیده شد؛ صداهایی که گزارش‌های منتشرشده آن را به فعالیت سامانه‌های پدافندی ایران نسبت داده‌اند. روبرتز این حمله را نخستین حمله شناخته‌شده آمریکا به ایران از اواخر ژوئیه (اوایل مردادماه) تاکنون توصیف کرده است؛ اتفاقی که می‌تواند، نشانه‌ای از ورود بحران به مرحله‌ای تازه باشد.

پاسخ تهران

سپاه پاسداران خیلی زود واکنش نشان داد. روابط عمومی این نیرو با تأیید حمله به جزیره لارک و اعلام شمار تلفات از اجرای عملیات موشکی و پهپادی نیروی هوافضای سپاه علیه دو پایگاه هوایی در اردن خبر داد. سپاه نام این عملیات را «عملیات تنبیه متجاوز» و رمز آن را «یا محمد ابن‌عبدالله (ص)» اعلام کرد. در اطلاعیه سپاه آمده است که زیرساخت‌های فنی و تعمیراتی همچنین محل استقرار جنگنده‌های دشمن در پایگاه‌های هوایی «ملک حسین» و «الازرق» هدف موشک‌های بالستیک قرار گرفته‌اند. اما ارتش اردن مدعی است که تمامی موشک‌ها را با موفقیت رهگیری کرده است.

شکار پهپاد آمریکایی

تنش اما در همین نقطه متوقف نشد. روابط عمومی سپاه پاسداران اعلام کرد یک فروند پهپاد آمریکایی MQ-۹ در آسمان تنگه هرمز هدف قرار گرفته است. براساس اطلاعیه

ادامه تیتتر یک

آرایش شرقی

با این حال، ظرفیت واقعی این سازمان در ایجاد مسیرهای جایگزین برای تجارت و اتصال ایران به اقتصاد آسیاست. چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است، روسیه شریک مهم ایران در انرژی و حمل‌ونقل است و هند نیز به دلیل نیازهای انرژی و موقعیت ایران در کریدور شمال- جنوب، منافع مشخصی در حفظ ارتباط اقتصادی با تهران دارد. همین کریدور می‌تواند ایران را به مسیر اصلی اتصال روسیه به هند تبدیل کند. از این منظر، اهمیت اجلاس بیشکک برای ایران شاید بیشتر از آنکه در بیانیه‌های سیاسی باشد، در معامله‌های اقتصادی پشت درهای بسته باشد. آیا چین حاضر است خرید نفت ایران را حفظ و گسترش دهد؟ آیا روسیه می‌تواند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ایران را سرعت ببخشد؟ آیا هند می‌تواند، تجارت و سرمایه‌گذاری خود در چابهار و مسیر شمال- جنوب را ادامه دهد؟ و مهم‌تر از همه، آیا این کشورها حاضرند برای حفظ تجارت با ایران، هزینه تحریم‌های ثانویه آمریکا را بپذیرند؟

اینجاست که باید واقع‌بین بود. چین، روسیه و هند دوست یا متحد ایران به‌معنای کلاسیک کلمه نیستند؛ هر سه کشور



ویترین

زندگی و تنهایی

نگاهی به زندگی و مسیر ادبی صادق هدایت

در یک قرن تاریخ

داستان‌نویسی در ادبیات

ایران، نویسندگان بسیاری

به داستان‌نویسی پرداخته

و نام خود را در این تاریخ پریار حک کرده‌اند. «صادق هدایت» یکی از بحث‌برانگیزترین و تأثیرگذارترین نویسندگان معاصر ادبیات داستان‌نویسی ایران است که در کتاب «صادق هدایت (مختصر و مفید)»، به زندگی، اندیشه‌ها و دغدغه‌های او پرداخته و از دیدگاهی نو، سرگذشت این نویسنده را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب دومین نوشتهٔ حسین فراهانی پس از کتاب «ادبیات دریاری» و اولین نوشته او از مجموعهٔ مختصر و مفید است. او در این کتاب با نگاهی به اتفاقات تاریخی دورهٔ زندگی صادق هدایت و تأثیرگذاری آن‌ها بر نوشته‌های او، نگاهی تازه در زندگی این نویسنده بزرگ ایرانی را به نمایش گذاشته است. در مقدمهٔ کتاب، شرحی کوتاه و خلاصه‌وار در مورد صادق هدایت بیان شده و نقشهٔ راهی از آن‌چه در این کتاب می‌گذرد را می‌خوانیم: این کتاب به دو بخش بررسی تاریخی زمانه هدایت، از روی کار آمدن پهلوی، انقلاب مشروطه، جریان‌های سیاسی حاکم، برکناری پهلوی اول و جانشینی فرزندش و اتفاقاتی می‌پردازد تا مخاطب را برای آن‌چه در نوشته‌های هدایت تأثیر به‌سزایی داشته، آشنا کند. پس از شرح دورهٔ تاریخی زندگی او، نوبت به آن می‌رسد که نویسنده از خاندان و خانوادهٔ هدایت تا افکار و سبک زندگی آن‌ها پرده بردارد. بررسی این مضمون نشان‌دهندهٔ آن است که چگونه یکی از چهره‌های ماندگار ادبیات داستان‌نویسی ایران، پا به این عرصه نهاد و تأثیر به‌سزایی در آثار و سبک نویسندگان پس از خود گذاشت.

در ادامه، بررسی زندگی صادق هدایت و هم‌زمانی او با اتفاقات تاریخی، سفر به فرنگ و تأثیرات زندگی و ادبیات فرانسه، بر افکار و عقایدش را شرح می‌دهد. بازگشت او به ایران، با دورهٔ روی کار آمدن رضاشاه پهلوی گره خورده که سعی دارد کشور را متحد سازد، اما از ملت همکاری نمی‌خواهد. نویسنده سعی در آن دارد علاوه بر بررسی تاریخ سیاسی ایران و هم‌زمانی روزگذشت زندگی هدایت با آن‌ها، ترتیب نگارش آثار او را نیز به خواننده نشان دهد. برای بررسی موضع‌گیری سیاسی و اجتماعی او، بخش مجزایی در این کتاب قرار داده شده که به‌طور صرف به وضع زندگی اجتماعی مردم در این دوره و تصمیمات دستگاه حاکم می‌پردازد. خفقان و فشار اجتماعی و سیاسی که او نتنها کمتر از دیگران بلکه بسیار بیشتر آن را حس می‌کرد. این دلیل بر این ادعا بود که او تا زنده بود، حاضر نشد آزادی و حیثیت‌اش را به‌هیچ‌وجهی بفروشد؛ اگرچه در رهمه‌ای تمایلی به حزب توده نشان داد اما نسبت به فاشیسم و نازیسم بدبین بود و حساسیت زیادی نشان می‌داد. پایان کتاب به نامه‌های هدایت با دوستان، نظرات و سخنان دیگران از مخالف و موافق در مورد او و اوج‌گیری انزوا و افسردگی او می‌پردازد و راوی آخرین لحظات زندگی اوست. در بخشی از کتاب او شرح حالش را در سال ۱۳۲۴ به درخواست خانهٔ فرهنگ شوروی و به مناسبت شرکت در جشن سالگرد تأسیس دانشگاه تاشکند نوشته است:

«من همان قدر از شرح حال خود رم می‌کنم که در مقابل تبلیغات آمریکایی مآبانه. آیا دانستن تاریخ تولدم به‌درد چه کسی می‌خورد؟ اگر برای استخراج زایچه‌ام است، این مطلب باید طرف توجه خودم باشد گرچه از شما چهنه‌ان، بارها با منجمین مشورت کرده‌ام اما پیش‌بینی آن‌ها هیچ‌وقت حقیقت نداشتند. اگر برای علاقهٔ خوانندگان است باید اول مراجعه به آراء عمومی آن‌ها کرد، چون اگر خودم پیش‌دستی کنم، مثل این است که برای جزئیات احمقانه زندگیم قدر و قیمتی قائل شده باشم، به‌علاوه خیلی از جزئیات است که همیشه انسان سعی می‌کند از درِچه چشم دیگران خودش را قضاوت کند و از این جهت مراجعه به عقیده خود آن‌ها مناسب‌تر خواهد بود. مثلاً اندازهٔ اندامم را خیاطی که برایم لباس دوخته بهتر می‌داند و پینه‌دوز سر گذار هم بهتر می‌داند که کشش من از کدام طرف سائیده می‌شود. این توضیحات همیشه مرا به یاد بازار چارپایان می‌اندازد که یابوی پیری را در معرض فروش می‌گذارند و برای جلب مشتری به صدای بلند جزئیاتی از سن و فضایل و عیوبش نقل می‌کنند.

از این گذشته، شرح‌حال من هیچ نکتهٔ برجسته‌ای در بر ندارد. نه پیش‌آمد قابل توجهی در آن رخ داده، نه عنوانی داشته‌ام، نه دیپلم مهمی در دست دارم و نه در مدرسه شاگرد درخشانی بوده‌ام، برعکس همیشه با عدم موفقیت روبه‌رو شده‌ام. در اداراتی که کار کرده‌ام همیشه عضو مبهم و گمنامی بوده‌ام و رؤسایم، از من دل خونی داشته‌اند. به‌طوری که ه‌وقت استعفا

داده‌ام با شادی هذیان‌آوری پذیرفته شده

است روه‌رفته موجود وازده بی‌مصرف، قضاوت محیط درباره من می‌باشد و شاید هم حقیقت در همین باشد».

صادق هدایت

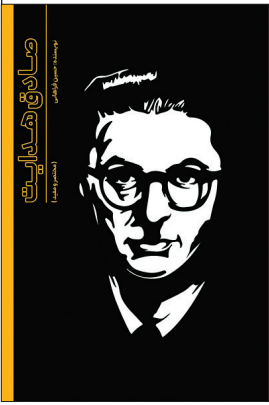
مختصر و مفید

حسین فراهانی

انتشارات پدیدار جهان

۱۹۵ صفحه

۲۵۰۰۰۰ تومان



صادق هدایت

محمدرضا ریخته‌گران، استاد بازنشستهٔ فلسفه دانشگاه تهران، ساعات پایانی ۸ شهریور بر اثر کسالت درگذشت. ریخته‌گران، سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد، ۱۸سالگی به تهران آمد و درس فلسفه را در دانشگاه تهران شروع کرد و رسالهٔ دکتری‌اش دربارهٔ دیدگاه‌ها و اصول میانی هرمنوتیک و تطبیق آن با اصول و مبانی تفسیر در عالم اسلام بود که در قالب کتابی با عنوان «اصول علم هرمنوتیک» منتشر شد. ریخته‌گران سال ۱۳۷۱ به هند رفت و به تحقیق و پژوهش دربارهٔ معارف هندویی پرداخت.

موقعیت ممتاز ایران در میانهٔ شرق و غرب

محمدرضا ریخته‌گران که عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود، عمدهٔ تألیفاتش در حوزه‌های فلسفه هنر و پدیدارشناسی بود. نظریهٔ «بنیاد انتولوژیک شرق و غرب» عنوان دیدگاه خاص ریخته‌گران است. نگاه او به دو مفهوم شرق و غرب، جغرافیایی نبود و آن‌ها را به نحو تکوینی یا به تعبیر

گزارش: رمان ایرانی

پدرخوانده در تهران

گفت‌وگو با علی اکبر حیدری، نویسنده کتاب دیدار در آتلانتیک



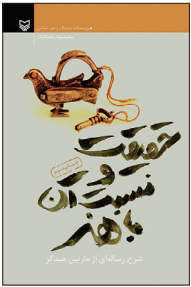
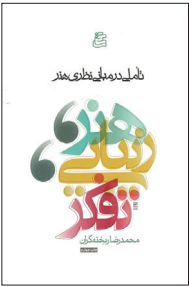
فرزانه متین

روزنامه‌نگار

علی اکبر حیدری، فیلم‌نامه‌نویس و نویسنده رمان‌هایی چون تپه خرگوش (نشر روزنه)، استخوان (نشر چشمه)، مجموعه داستان کوتاه بی‌رد خون (نشر چشمه) و رمان دیدار در آتلانتیک (نشر چشمه) است که در اواخر بهار ۱۴۰۵ منتشر شد. وی همچنین در مقام فیلم‌نامه‌نویس آثاری چون «ارغوان»، «گیلدا» و به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان فیلم «سینما شهر قصه» را در کارنامه دارد. کتاب جدید وی، دو سال با مشکلات سانسور دست‌وپنجه نرم می‌کرد و از طرفی رمانی برای عاشقان سینماست که روایتی از تجربه، مشاهده و تأمل را در بستری تاریخی و اجتماعی به تصویر کشیده است. او در گفت‌وگوی پیش‌رو از انگیزه نگارش این اثر، روایت‌های کمتر شنیده‌شده، چالش‌های سانسور و پیام‌هایی که می‌خواهد به مخاطب منتقل کند، سخن می‌گوید؛ گفت‌وگویی که درِچه‌ای به جهان فکری نویسنده و پشت‌صحنه شکل‌گیری این کتاب می‌گشاید:

گويا کتاب دیدار در آتلانتیک، دو سالی در وزارت ارشاد بوده و اجازه انتشار نداشته است، دلیل اصلی و عمده آن چه بوده است؟

فلسفی، «انتولوژیک» (وجودشناختی) طرح می‌کرد. ریخته‌گران اصرار داشت تفاوت شرق و غرب به هیچ عنوان ارزش‌گذارانه نیست، یعنی چنین نیست که به لحاظ اخلاقی یا زیباشناختی یکی بر دیگری برتری دارد، بلکه هر دو در کنار هم به کار سامان زندگی انسان در این عالم می‌آیند. به اعتقاد او ایران در میانهٔ شرق و غرب، موقعیت ممتازی دارد، به‌ویژه که با دیانت اسلام قرین شده و بر این اساس می‌تواند و بلکه بایسته است، منادی اسلام معنوی و فرهنگی باشد. ریخته‌گران که سال‌ها در اندیشه‌ها و سنت‌های شرقی



و سنت عرفانی ایرانی-اسلامی غور کرده بود، معتقد بود: «ما باید که با معارف ایرانی و اسلامی انس پیدا کنیم. باید این سستیز با معنویت را کنار بگذاریم. باید کاری کنیم که مثلاً مردم ترکیه حداقل بتوانند سنگ نبشته مزار مولانا را بخوانند. باید زبان پارسی را گسترش دهیم و کاری کنیم بین ملت‌های جدید مثل تاجیکستان، افغانستان، ایران، ترکیه و ارمنستان وفاق بیشتری پدید آید. باید آن‌ها را تشویق کنیم به تاریخ تقویم جلالی بازگردند و بدانند اگر غربی‌ها تقویم گرگوری را درست کردند، براساس تقویم جلالی خیام بود. اگر هم نخواستند ایران را مبداء قرار دهند، افق را به احترام خیام، افق نیشابور قرار دهند و کاری کنند که از نظر خط و مفاهمهٔ زبانی و تقویم و اعیاد و مناسبات این کشورها به هم نزدیک‌تر شوند. در کل کاری کنیم که معنویت اسلامی بیشتر در ظهور باشد. ما شیعه را به یک مکتب فقهی-کلامی در کنار مکاتب اربعه اهل تسنن و در کنار دیگر مکاتب شیعی قرار ندهیم. تشیع یک حقیقت فراتری است. حقیقت تشیع یعنی اقامت در شعاع ولایت امام معصوم(ع) با خداوند مثل نسبت اشعهٔ خورشید است به خورشید، بنابراین پیروی و

برای این متذکر شدم که این سال‌ها داستان فارسی به دلایل بسیار متفاوتی توسط خوانندگان مورد بی‌مهری قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین‌شان سانسور شدن داستان فارسی است. می‌خواهم بگویم ما نویسندگان تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که داستان‌های‌مان را به‌صورت سالم به‌دست خواننده برسانیم و اگر امکان‌پذیر نیست، آن کتاب را چاپ نکنیم.

پوری بنایی و بهروز وثوقی، امروزه هم نام‌شان در نشریات چاپ می‌شود و هم در سینما به آن اشاره می‌شود، حتی چهره‌هایشان مخصوصاً در مراسم و مناسبات سینمایی دیده می‌شود؛ وزارت ارشاد در این مورد به شما چه می‌گفت؟ موضوع ادبیات و مواجهه با آن، به کلی متفاوت با سایر عرصه‌هاست. سخت‌گیری وحشتناک و مبارزه با آن همیشه در اولویت است و بسیاری از موضوعات حل شده در سایر هنرها هنوز خط قرمز پررنگی در ادبیات محسوب می‌شود. خاطرم هست در دیداری با رئیس اداره کتاب در چند سال گذشته برای اعتراض به عدم صدور مجوز یکی از کتاب‌ها، به ایشان گفتم که براساس رمانی که شما مجوزش را صادر نمی‌کنید، فیلم‌نامه‌ای نوشته و اقتباس کرده‌ام که مجوز ساختش چند وقتی است، صادر شده. ایشان گفت که سینما و نمایش فیلم بلافاصله بعد از اکران فیلم به‌دست فراموشی سپرده می‌شود، اما ادبیات تا ابد در ذهن خوانندگانش باقی می‌ماند.

چطور ایده کتاب به ذهن شما رخنه کرد؟ در واقع ما در کتاب با بخش‌هایی از فیلم پدرخوانده، پشت‌صحنه گوزن‌ها، مسعود کیمیایی، بهروز وثوقی، پوری بنایی و آقائوری (خبرنگار معروف در فیلم سرب) سروکار داریم. آیا فکر نمی‌کنید آمیزه‌ای از این سوزدها، ممکن است باعث آشفته‌گی مخاطب‌شود؟



ارشاد هیچگاه به‌صورت مستقیم، دلیلی برای رد کردن کتاب و عدم صدور مجوز نمی‌گوید. همه‌چیز در هاله‌ای از ابهام است. اما چیزهایی که من شنیدم همدان‌سازی رژیم گذشته با رژیم فعلی، استفاده از نام اشخاص حقیقی در داستان، مثبت نشان دادن رژیم گذشته و آوردن قایعی در گذشته که در زمان کنونی در حال وقوع است و مواردی از این نوع.

مضمون نهفته کتاب شما در مورد مبارزه با ساواک و رخنه ساواک در زندگی مردم، نقش‌پررنگی دارد، چطور چنین کتابی نباید مجوز بگیرد؟

مشکل این است که شما به موضوع منطقی نگاه می‌کنید، اما شما وقتی کتابی به ارشاد می‌فرستید، هیچ‌وقت مطمئن نیستید که از چه منظری به آن نگاه می‌کنند. نکاتی بسیار ساده و روشن، گاه چنان پیچیده و تاریک دیده می‌شود که باورنکردنی است؛ حداقل برای من اینطور بوده. من از ابتدا هیچ‌وقت کتابی به ارشاد نداده‌ام که به‌راحتی مجوز گرفته باشد و دچار مشکل نشده‌باشد، اما در نهایت همیشه سعی کرده‌ام اگر سانسور به پایه‌های داستان و نکات اصلی آسیب زده، آن داستان را چاپ نکنم. این نکته را

نوبت اول

شناسه آگهی ۲۲۶۳۴۹۷

آگهی مزایده عمومی



آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد و آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ - ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ - تاریخ بازدید اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ از ساعت ۰۸:۰۰ صبح الی ۱۳:۰۰ بعد از ظهر تاریخ بازدید دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ از ساعت ۰۸:۰۰ صبح الی ۱۳:۰۰ بعد از ظهر گشایش پاکات پیشنهادها و اعلام برنده: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ آدرس دریافت اسناد الکترونیک: www.setadiran.ir آدرس پستی مزایده‌گزار: استان ایلام / شهرستان چوار / صندوق پستی ۶۹۳۶۱-۱۴۴/کدپستی ۶۹۳۷۱۷۰۱۱۰/دبیرخانه کمیسیون مناقصات * مزایده‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۸۵۱ و ۰۸۴-۳۲۹۱۲۸۵۰ (دبیرخانه کمیسیون مناقصات) تماس حاصل فرمایند. ۱۰۵۳۷۵۵۲۶

شرکت پالایش گاز ایلام



@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

یادداشت: سینمای جهان

زنی که نمی‌داند چه می‌خواهد

یادداشتی تحلیلی بر فیلم «بدترین آدم دنیا» ساخته یوآخیم تریه

بعضی فیلم‌ها درباره پیدا کردن خوشتن‌اند و بعضی درباره گم کردن آن. «بدترین آدم دنیا» بیشتر روایت یک انسان، یک زن جوان است که میان امکان‌های بی‌شمار زندگی، نمی‌تواند یک علاقه را برای همیشه انتخاب کند. شخصیت محوری فیلم، جولی با بازی «رناته رینزوه»، زنی است در آستانه ۳۰سالگی که مدام مسیرش را عوض می‌کند؛ پزشکی را‌ها می‌کند، روانشناسی را امتحان می‌کند، به عکاسی و نوشتن علاقه‌مند می‌شود و در روابط عاطفی نیز از یک انتخاب به انتخاب دیگر می‌رود. اما مسئله جولی فقط بی‌ثباتی نیست؛ چیزی عمیق‌تر در وجود او جریان دارد: احساس پوچی. جولی هر بار تصور می‌کند اگر شغل دیگری داشته باشد، اگر عاشق آدم دیگری شود یا شکل دیگری از زندگی را تجربه کند، به رضایت خواهد رسید. اما درست زمانی که به چیزی نزدیک می‌شود، جذابتش را از دست می‌دهد. میل تازه‌ای پیدا می‌شود و زندگی قبلی رنگ می‌بازد. «یوآخیم تریه» این سرگردانی را به یک ویژگی نسلی تبدیل می‌کند. جولی در جهانی زندگی می‌کند که انتخاب‌هایش تقریباً بی‌کلام و بی‌پایان است. شاید بتواند شغلش را عوض کند، رابطه‌اش را ترک کند و هویت تازه‌ای برای خود بسازد، اما همین آزادی به‌جای آرامش، نوعی اضطراب دائمی به‌وجود آورده است. وقتی امکان‌های زندگی زیاد می‌شوند، انتخاب کردن دشوارتر می‌شود؛ چون هر انتخاب به‌معنای از دست دادن صدها امکان دیگر است. به همین دلیل جولی همیشه به زندگی‌ای فکر می‌کند که می‌توانست داشته باشد. فیلم با پیش‌درآمد، دوازده فصل و مؤخره ساخته شده است. این فصل‌بندی فقط یک بازی فرمی نیست؛ تریه زندگی جولی را مانند کتابی می‌بیند که هر فصلش یک تصمیم، یک رابطه یا یک بحران است. فصل‌ها نشان می‌دهند شخصیت جولی ثابت نیست؛ او با هر تجربه، شکل دیگری پیدا می‌کند و دوباره از همان نقطه به سوی انتخابی تازه می‌رود. حتی عنوان فصل‌ها مسیر ذهنی او را آشکار می‌کنند. فیلم از «دیگران» آغاز می‌شود و در ادامه به «اول شخص مفرد» می‌رسد. این حرکت، نوعی سفر از نگاه به جهان بیرون به سوی مواجهه با خوشتن است. جولی ابتدا بیشتر ناظر زندگی دیگران است و مدام خودش را با انتخاب‌ها و سبک زندگی آنها مقایسه می‌کند. در پایان باید بپذیرد هیچ زندگی جایگزینی وجود ندارد که بتواند تمام کمبودهای درونی‌اش را برطرف کند.

در آغاز فیلم جولی هنوز خیال می‌کند مشکل از انتخاب‌های اشتباه است. اگر رشته دیگری انتخاب کند، اگر شغل مناسب‌تری پیدا کند یا عشق درست از راه برسد، همه چیز سر جای خودش قرار خواهد گرفت. اما تریه کم‌کم نشان می‌دهد مشکل، خود این انتظار است. جولی می‌خواهد زندگی همیشه تازه بماند؛ در حالی که هر زندگی واقعی، سرانجام وارد مرحله تکرار، مسئولیت و محدودیت می‌شود. رابطه او با اکسل دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می‌کند. اکسل مردی بزرگ‌تر از جولی، به‌نوعی از ثبات رسیده است. او می‌داند زمان محدود است و انتخاب‌ها پیامد دارند. در مقابل، جولی هنوز می‌خواهد همه درازا بمانند. اختلاف آنها فقط اختلاف سنی نیست؛ اختلاف از نوع نگاه به زندگی است. بعد «یویند» وارد داستان می‌شود و وسوسه زندگی دیگری شکل می‌گیرد. جولی عاشق امکان تازه‌ای می‌شود؛ نه فقط عاشق یک مرد، بلکه عاشق تصویری از خودش که در کنار او می‌تواند تجربه کند. «یوآخیم تریه» پاسخی قطعی نمی‌دهد و همین تصمیم، فیلم را از یک ملودرام معمولسی جدا می‌کند. جولی نه قربانی است و نه یک هیولا؛ او انسانی است که انتخاب‌هایش به دیگران آسیب می‌زند، اما خودش نیز قربانی خلأ درونی خویش است. «رناته رینزوه» این تناقض را با بازی بسیار ظریف خود حفظ می‌کند. جولی حتی هنگام خوش‌حالی، کاملاً خوشحال نیست. در نگاه او همیشه نوعی فاصله وجود دارد؛ انگار بخشی از ذهنش مشغول تصور زندگی دیگری است. یکی از مشهورترین سکانس‌های فیلم، همان‌جایی است که جولی در خیابان می‌دود و ناگهان زمان برای دیگران متوقف می‌شود. جولی برای لحظه‌ای آرزو می‌کند جهان از حرکت بایستد تا خودش بتواند تصمیم بگیرد. اما زندگی چنین فرصتی نمی‌دهد.

از همین‌جا فیلم «بدترین آدم دنیا» از سرخوشی جوانی فاصله گرفته و به فقدان، بیماری و مرگ می‌رسد. مرگ تمام بازی‌های ذهنی جولی را به چالش می‌کشد. تا پیش از آن او می‌توانست تصور کند همیشه فرصت دیگری هست؛ اما اکنون می‌یابد بعضی انتخاب‌ها برگشت‌پذیر نیستند.

جولی در پایان «خودش را پیدا نمی‌کند»؛ بلکه شاید برای نخستین‌بار می‌فهمد انسان الزاماً قرار نیست یک نسخه نهایی از خودش داشته باشد. این همان نقطه‌ای است که عنوان فیلم معنای دیگری پیدا می‌کند. جولی «بدترین آدم دنیا» نیست. او انسانی است که گاهی خودخواه است، گاهی ترسو، گاهی عاشق، گاهی بی‌رحم و گاهی عمیقاً پشیمان. او دل آدمی را می‌شکند و خودش نیز از این شکست زخمی می‌شود. تریه جولی را محکوم نمی‌کند، اما تبریّه هم نمی‌کند. احتمالاً ارزنده‌ترین چیزی که این اثر می‌خواهد به مخاطبش بگوید این است که انسان همیشه قربانی شرایط نیست؛ گاهی خودش نیز عامل رنج دیگران است. اما این حقیقت، او را از انسان بودن خارج نمی‌کند. «بدترین آدم دنیا» فیلمی درباره پوچی نیست؛ درباره مواجهه با پوچی است. آنچه تغییر می‌کند شغل، عشق و سلیقه اوست؛ آنچه ثابت می‌ماند پرسشی است که در درونش وجود دارد و به همین دلیل فیلم پایان قطعی ندارد. در پایان روایت، جولی همان آدمی است که می‌تواند تغییر کند، اشتباه کند و دوباره انتخاب کند؛ اما حالا بهتر می‌داند هیچ انتخابی قرار نیست او را برای همیشه نجات دهد و شاید بلوغ واقعی جولی، نه پیدا کردن جواب، بلکه پذیرفتن همین حقیقت باشد.

«پدیدارشناسی و فلسفه اگزیستانسیالیسم». «هنر از دیدگاه مارتین هایدگر»، «حقیقت و نسبت آن با هنر»، «منطق و بحث علم هرمنوتیک» و «الهیات جدید» از دیگر کتاب‌های منتشر شده ریخته‌گران است.

کتاب «هنر، زیبایی، تفکر» شامل مباحثی در زمینه مبانی نظری هنر است که نویسنده در آن، علاوه بر تبیین ماهیت هنر و نسبت آن با حقیقت، مباحثی از این دست را مطرح می‌کند: روح هنر دینی، هنر و تکنولوژی، هرمنوتیک و نسبت آن با هنر و زیبایی، مدرنیته و هنر، ظهور هنر در عالم دین، هنر در تمدن اسلامی، هیدگر و تلقی هندوئیسی از مکان مقدس و پدیدارشناسی و هنر. «حقیقت و نسبت آن با هنر» هم شرحی بر رسالهٔ مارتین هایدگر با نام «سرآغاز آثار هنری» است. این کتاب در حقیقت درس‌گفتارهایی بوده است که ریخته‌گران در بنیاد فردید ایراد کرده و پس از استخراج از نوار برای چاپ تنظیم و تدوین شده است. از میان ترجمه‌های فارسی رساله هایدگر، نویسنده به ترجمه پرویز ضیاء شهبابی و نیز ترجمه آتیلا علی‌شناس بیش از دیگر ترجمه‌ها مراجعه کرده و از آن‌ها بهره‌مند شده است. هایدگر در این رساله به اقتضای روش هرمنوتیک سخن خود را بارها تکرار کرده است و هر بار از اجمال به تفصیل و از تفصیل به اجمال رفته است. این تکرار در شرح هم اثر کرده و گهگاه مطلب از نو آغاز شده و در پرتو آن چه به‌دست آمده، طرح دوباره‌ای ریخته شده است. بسیاری از دانشجویان معتقدند با شرح ریخته‌گران بر کتاب‌هایی چون «سرآغاز کار هنری» اثر مارتین هایدگر، فیلسوف شهیر آلمانی آشنا شده‌اند.



ما به‌عنوان نمایندگان و فرزندان این تمدن، باید بر عز مشرقی خودمان مستقر باشیم و مناسب‌مان را به همه عالم نشان بدهیم و آن‌چنان که شایسته معنویت ایرانی و اسلامی است، به منصهٔ ظهور برسانیم».

آثار ریخته‌گران

از آثار دکتر ریخته‌گران می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «هنر، زیبایی، تفکر»، «پدیدارشناسی، هنر، مدرنیته»،

شاید خیلی از این سوزوها و اشخاص دور از هم به‌نظر برسند، اما برای من که از نوجوانی عاشق سینما بودهام و با این اشخاص و فیلم‌هایی که ساخته‌اند، زندگی کرده‌ام، نوشتن این داستان نه‌تنها سخت نبوده بلکه از لذت‌بخش‌ترین کارهایی بوده که نوشته‌ام. تصور کنید که شخصیت‌هایی که در فیلم‌ها و داستان‌ها دوست‌شان داشته‌اید، حالا شخصیت‌های رمان شما هستند. فکر می‌کنم هر خواننده‌ای بارها با شخصیت‌های رمان‌ها و فیلم‌ها، داستان خودش را تخیل کرده و سرنوشت‌های متفاوتی برای آنها رقم زده.

اگر کسی اطلاعی از شخصیت‌های آشنای ادبی و سینمایی که از آنها استفاده کرده‌اید، نداشته باشد، مشکلی در خواندن داستان خواهد داشت؟

به‌هیچ‌وجه. این شخصیت‌های سینمایی و ادبی را چنان در داستان آورده‌ام و در روند پیشرفت داستان از آنها استفاده کرده‌ام که اگر کسی آثار قبلی

را نخوانده باشد، کوچک‌ترین خللی در احساس نمی‌کند. انگار این شخصیت‌ها را از ابتدا خلق کرده‌ام که در بسیاری مواقع با توجه به پایان متفاوتی که برای آنها نوشته‌ام، همین‌طور هم هست، اما اگر کسی این شخصیت‌ها را بشناسد، حتماً لذت بیشتری خواهد برد و گاهی شگفت‌زده خواهد شد. از آنجا که رمان شما سعی دارد جایی بین مرز خیال و واقعیت باشد و شاید بتوان گفت روایتی براساس جریان سیال ذهن هم در آن وجود دارد، نوشتن رمان چقدر زمان برد؟

تحقیق قسمت‌های تاریخی رمان (چون رمان در تهران سال ۱۳۵۱ می‌گذرد) و ساخت پلات داستان نزدیک به دو سال زمان برد و چیزی بیشتر از دو سال رمان را هم‌زمان با قرنطینه زمانه سیاه کرونا نوشته‌ام. رمان «دیدار در آتلانتیک» فرار من از سختی‌های تنهایی، انزوای شخصی و به ناچار آن

یکی از مشکلاتی که سینمای ایران با آن درگیر است، عدم اقتباس از کتاب است، شما به‌عنوان فیلم‌ساز، قصد ندارید کتاب‌تان را به‌صورت فیلم درآورید یا پیشنه‌ای مبنی بر خرید امتیاز کتاب برای ساخت فیلم نشده‌است؟

ما فیلم‌نامه‌ای از رمان اقتباس کرده‌ایم که به نظر دوستانی که آن را خوانده‌اند، بسیار جذاب و هیجان‌انگیز شده اما پیدا کردن سرمایه‌گذار در این روزهای سینمای ایران، بسیار کار سخت و تقریباً ناممکنی شده است. درباره خرید امتیاز کتاب هم هنوز خبری از نشر چشمه نگرفته‌ام، چون این از مواردی است که بخش مستقلی در نشر روی آن کار می‌کند. البته کتاب مدت زمان زیادی نیست که به چاپ رسیده و به‌خاطر حجم‌اش احتمالاً زمان می‌برد خوانده شود.

لطفاً در مورد نام‌گذاری کتاب‌تان هم بفرمایید آیا این اسم انتخاب اولیه شما بود یا مجبور شدید

این نام را بگذارید؟

نام اولیه رمان من «ژژ ارغوانی تهران» بود که به‌خاطر ادای دین به فیلم «ژژ ارغوانی قاهره»ی وودی آلن آن را انتخاب کرده بودم. چون ایده اصلی رمان که بیرون آمدن یک شخصیت سینمایی از دل یک فیلم است را از این فیلم برداشته بودم. در رمان من «مایکل کورلونه» فیلم پدرخوانده در اتفاقی عجیب از توی فیلم پا به استودیوی دوبله‌ای در تهران ۱۳۵۱ گذاشته و روی زندگی آدم‌های داستان تأثیر می‌گذارد. اما این نام مورد پذیرش ارشاد قرار نگرفت، حتی کتیبه‌ای که در ابتدای کتاب از فیلم‌نامه وودی آلن گذاشته بودم، کاملاً سانسور شد و من نام «دیدار در آتلانتیک» را انتخاب کردم که البته خودم دوستش دارم و از نظرانی که گرفته‌ام به‌نظر موردپسند خوانندگان رمان هم قرار گرفته است.



زمانه بوده است.

رمان به‌نظر خوانش روانی دارد و به‌راحتی پیش می‌رود، تا جایی که خواننده شاید با خودش فکر کند «انگار نوشتنش

خیلی هم سخت نبوده»... نظر خودتان در این باره چیست؟

برای اینکه داستانم خوش‌خوان باشد، بسیار زحمت کشیده‌ام و اینطور نیست که نوشتن این نوع داستان کار ساده‌ای است. در پشت این سادگی، نکات بسیاری پنهان است. جزئیات داستانی زیادی وجود دارد که مطمئناً خواننده باهوش از کشف آنها لذت خواهد برد.

ممکن است نمونه‌ای از این ریزه‌کاری‌ها را بگوید؟

گمان می‌کنم من با گفتن این جزئیات، جلوی کشف خواننده را می‌گیرم اما به‌عنوان مثال، تلفن کردن مایکل از تهران به خانه دُن کورلونه در فیلم پدرخوانده از آن نمونه‌هاست.

شناسه آگهی ۲۲۶۳۰۸۵	نوبت اول
فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)	
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی (پالایشگاه نهم) در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی بصورت یکپارچه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید:	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۵۰۹۷۵۷۰۰۰۱۳
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای شماره ۰۴۰۰۴۲۷
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی	موضوع: خرید پکیکنگ ساخت تولیدکنندگان داخلی صلاحیت‌دار و عضو وندور لیست تأیید شده وزارت نفت (AVL)
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (دارای اعتبار اولیه ۳ ماهه و تمدید به میزان ۳ ماه) بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۵۰۶۵۹/ت/۱۳۴۰۲ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
تاریخ ارسال اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد	اولین روز پس از درج نوبت دوم آگهی مناقصه در روزنامه کثیرالانتشار کشوری
آخرین مهلت در یافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	حداقل ۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.
آخرین مهلت بازگذاری اسناد ارزیابی کیفی، پاکات الف و ب و ج (ضمانت نامه، پیشنهاد فنی بازرگانی و مالی) در سامانه ستاد	طرف مدت حداقل دو هفته پس از انقضای مهلت در یافت اسناد می باشد. ضمناً برنامه زمانی گشایش کلیه پاکات مناقصه از طریق سامانه ستاد اعلان می گردد.
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر - شهرستان کنگان - کیلومتر ۱۵ جاده عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پالایشگاه نهم (فاز ۱۲) - ساختمان تدارکات و عملیات کالا - اداره خرید - شماره تماس ۲۷۸۱ - ۲۷۸۲ - ۷۷۳۳۳۳۳۷۲۸

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن کارشناس خرید (۲۷۸۱ - ۳۷۹۲ - ۰۷۷۳۳۳۳۳۷۲۸) تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰
 تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

راز ارزهای گم‌شده

برخورد قضایی با شبکه‌های تراستی تا چه اندازه می‌تواند منابع ارزی کشور را بازگرداند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در روزهایی که کمبود منابع ارزی، افزایش نرخ ارز و دشواری تأمین نیازهای وارداتی به یکی از نگرانی‌های اصلی اقتصاد ایران تبدیل شده، خبر بازداشت یکی از گردانندگان شبکه‌های موسوم به «تراستی» بار دیگر مسئله سرنوشت ارزهای حاصل از صادرات را به صدر اخبار بازگردانده است. قوه قضائیه، بانک مرکزی، پلیس امنیت اقتصادی و دیگر نهادهای اطلاعاتی و نظارتی در ماه‌های گذشته، دامنه برخورد با بدهکاران ارزی و واسطه‌های انتقال پول را گسترش داده‌اند. پلیس امنیت و قوه قضائیه خبر دادند احمد لوسانی، رئیس کانون صرافان که بالغ بر سیصد میلیون یورو ارز حاصل از صادرات پیش او بود و آن را پس نمی‌داد، بازداشت و روانه زندان شده است. هدف اعلام شده تنها بازداشت متهمان نیست و مسئله اصلی، شناسایی مسیر خروج منابع، بازگرداندن دارایی‌ها و جلوگیری از تکرار سازوکاری است که در آن میلیارد‌ها یورو از دسترس نهادهای رسمی خارج شده است.

زخم کاری

اقتصاد ایران برای فروش نفت، فرآورده‌های نفتی و دیگر کالاهای صادراتی با موانعی روبه‌روست که اقتصادهای عادی کمتر آن را تجربه می‌کنند. تحریم، ارتباط مستقیم فروشنده ایرانی با خریدار خارجی و انتقال رسمی پول را دشوار یا گاه ناممکن کرده است. در چنین وضعیتی شبکه‌هایی از شرکت‌ها، صرافان و افسردا مورد اعتماد شکل گرفته‌اند که محموله را می‌فروشند، پول را در حساب‌های خارجی دریافت می‌کنند و باید آن را از مسیرهای غیرمستقیم به چرخه اقتصادی ایران بازگردانند. این واسطه‌ها در ادبیات رایج «تراستی» نامیده می‌شوند. یعنی کسانی که عملیات مالی به اتکای اعتماد به آنها سپرده شده است. این شیوه ممکن است در کوتاه‌مدت، راهی برای عبور از محدودیت‌های بانکی باشد اما یک خطر بزرگ دارد. اینکه بخشی از دارایی عمومی در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که بیرون از شبکه بانکی رسمی و زیر پوشش شرکت‌های واسطه فعالیت می‌کنند. هرچه تحریم شدیدتر باشد امکان انتشار اطلاعات کمتر و قدرت چانه‌زنی

واسطه بیشتر می‌شود. در نتیجه، ابزار دور زدن تحریم می‌تواند به بستری برای نگهداری طولانی پول، تسویه‌های غیرشفاف یا حتی خودداری از بازگرداندن منابع تبدیل شود. پس پرونده تراستی‌ها فقط پرونده چند بدهکار بزرگ نیست و در حقیقت نشانه‌ای از یک نقص نهادی است. پرسش این است که این افراد با چه سازوکاری انتخاب شدند، چه میزان تضمین سپردند، چه نهادی بر حساب‌های آنان نظارت کرد و چرا هشدارهای مربوط به توقف بازگشت ارز پیش از انباشته شدن بدهی‌های صدها میلیون یورویی به اقدام فوری منجر نشد؟ اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نشود، بازداشت چند نفر ممکن است، بخشی از پول را بازگرداند اما سازوکار تولیدکننده فساد همچنان پابرجا می‌ماند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس، روز هفتم شهریور از بازداشت فردی با حروف اختصاری «الف. ل» خبر داد. مطابق اطلاعیه پلیس، این فرد از سرکردگان شبکه تراستی بوده، طی سال‌های گذشته ارز حاصل از صادرات دریافت کرده و بدهی او به شبکه بانکی از ۳۰۰ میلیون یورو فراتر رفته است. رقمی که در اطلاعیه بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد ریال معادل حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان اعلام شد. پلیس همچنین گفته، متهم از اجرای تعهدات خود امتناع کرده و متواری بوده و پس از شناسایی به دست کارآگاهان پلیس امنیت اقتصادی، بازداشت و روانه زندان شده است. جزئیات هویت، محل بازداشت، نوع محموله‌های واگذار شده و دارایی‌های شناسایی شده هنوز به‌طور رسمی منتشر نشده و اتهامات مطرح شده نیز باید در فرآیند قضایی رسیدگی و اثبات شود. این بازداشت درست در زمانی رخ داد که قوه قضائیه بر سرعت بخشیدن به پرونده‌های ارزی تأکید کرده بود. دو روز پیش از اعلام خبر، جلسه‌ای با حضور دادستان تهران، مدیران بانک مرکزی، ضابطان، قضات و مسئولان دادرسی ویژه جرایم اقتصادی برگزار شد. محور جلسه، تکمیل تحقیقات، رفع موانع و تعیین تکلیف سریع پرونده‌های تراستی بود. هم‌زمان رئیس کل دادگستری استان تهران اعلام کرد ۶۶ پرونده تراستی به ارزش تقریبی ۲.۵ میلیارد یورو در دست رسیدگی است. برای ۴۳ پرونده قرار نهایی صادر شده و ۲۳ پرونده پس از صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاده شده است. دامنه برخورد البته به روزهای اخیر محدود نمی‌شود. در خردادماه، دادستان تهران از بازداشت بیش از ۱۳ متهم پرونده‌های تراستی و رفع تعهد ارزی خبر داده بود. در مردادماه نیز اعلام شد برای مدیران شرکت‌های تراستی ۵۹ پرونده تشکیل شده، ۲۲ متهم روانه

زندان شده‌اند و برای ۱۵ متهم فراری اعلان قرمز درخواست شده است. کنار هم گذاشتن این آمارها نشان می‌دهد، دستگاه قضایی از مرحله هشدار عمومی عبور کرده و به سمت بازداشت، تعقیب بین‌المللی و ارسال پرونده‌ها به دادگاه حرکت کرده است.

چرا برخورد‌ها شدت گرفت؟

نخستین انگیزه را باید در کمیابی ارز جست‌وجو کرد. در اقتصادی که تأمین دارو، کالاهای اساسی، مواد اولیه و تجهیزات تولید به دسترسی به ارز وابسته است، باقی ماندن صدها میلیون یورو در حساب واسطه‌ها فقط یک اختلاف حساب تجاری نیست؛ می‌تواند مستقیماً ظرفیت واردات و ثبات بازار ارز را تضعیف کند. رئیس قوه قضائیه نیز پیش‌تر با اشاره به کمبود ارز گفته بود، تراستی‌هایی که نفت گرفته‌اند باید درآمد فروش آن را بازگرداند و بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و مدیرانی که در واگذاری‌ها نقش داشته‌اند نیز باید پاسخگو باشند. عامل دوم، بزرگ شدن ابعاد مسئله و افزایش حساسیت افکار عمومی است. انتشار آمار میلیارد‌ها یورو تعهد ایفا نشده این پرسش را ایجاد کرد که چگونه چنین منابعی بدون تضمین کافی در اختیار واسطه‌ها قرار گرفته است. دیدبان شفافیت و عدالت نیز از قوه قضائیه خواسته ارزهای بازنگشسته، کارتهای بازگانی اجارهای و نقش مدیران واگذارکننده را پیگیری کند. عامل سوم، تبدیل یک مسئله اداری به پرونده‌ای امنیت اقتصادی است. تا زمانی که اختلاف بر سر مهلت ایفای تعهد، شیوه تسویه یا ثبت اطلاعات باشد، موضوع ممکن است میان بانک مرکزی، بانک عامل و صادرکننده باقی بماند. اما زمانی که شواهدی از امتناع عامدانه، انتقال دارایی، ارائه اطلاعات نادرست یا خروج متهم از کشور مطرح شود، پرونده وارد مرحله قضایی و انتظامی می‌شود. بر اساس مصوبه هیأت ویژه قوه قضائیه، بانک مرکزی و بانک‌های عامل مکلف شده‌اند پس از پایان مهلت، تعهدات بیش از سه میلیون یورو را برای طرح دعوا به دادستانی و مبالغ کمتر را به تعزیرات حکومتی ارجاع دهند. این قاعده، مسیر تبدیل تخلف ثبت شده به اقدام قضایی را کوتاه‌تر می‌کند. با این حال برخورد نباید به مجازات آخرین حلقه محدود شود. نهاد یا مدیری تراستی را تأیید کرده، کالا را در اختیارش گذاشته و مسیر تسویه را پذیرفته است. بنابراین مسئولیت مدیران واگذارکننده، کیفیت تضمین و عملکرد دستگاه‌های نظارتی نیز باید

بررسی شود؛ وگرنه ساختار معیوب انتخاب و نظارت از پاسخگویی مصون می‌ماند. قوه قضائیه همچنن از رفع بیش از ۷.۵ میلیارد یورو تعهد ارزی و تعیین تکلیف نزدیک به ۲۰ میلیارد یورو در نتیجه فعالیت کمیته ویژه مبارزه با فساد اقتصادی حوزه ارز خبر داده است. این ارقام نشان می‌دهد، ورود قضایی و هماهنگی میان نهادهای می‌تواند بدهکاران را به تسویه، ارائه اسناد یا روشن کردن وضعیت تعهدات وادار کند. با این حال «تعیین تکلیف» الزاماً به‌معنای ورود نقدی همه این مبلغ به خزانه نیست. بخشی از پرونده‌ها ممکن است با ارائه اسناد واردات، پرداخت بدهی خارجی، عرضه ارز در شبکه مجاز یا اصلاح خطاهای ثبت‌شده، بسته شده باشد. از این رو لازم است آمار ارز وصول شده، تعهد رفع شده و بدهی اصلاح شده جداگانه منتشر شود. همین تفکیک برای سنجش بازداشت اخیر ضروری است. روانه زندان شدن متهم یک خروجی انتظامی است نه پایان اقتصادی پرونده. موفقیت زمانی محقق می‌شود که دارایی‌ها شناسایی و توقیف، مسیر گردش پول بازسازی و منابع قابل وصول بازگردانده شود. بنابراین اعلام رقم اموال شناسایی شده و وجوه وصول شده، مهم‌تر از تعداد بازداشت‌هاست. به هر حال، مقابله با تخلف در شبکه‌های تراستی یک تقاض دشوار پیش روی سیاستگذار قرار می‌دهد. ایران تا زمانی که با محدودیت بانکی روبه‌روست احتمالاً همچنان به واسطه‌ها نیاز دارد؛ اما هرچه این واسطه‌ها محرمانه‌تر و از نظارت رسمی دورتر باشند، احتمال سوء استفاده بیشتر می‌شود. حذف ناگهانی همه آنها می‌تواند، انتقال درآمدهای صادراتی را مختل کند و ادامه وضع موجود نیز خطر تکرار پرونده‌های بزرگ را در پی دارد. راحل، تبدیل «اعتماد شخصی» به «اعتماد نهادی و قابل سنجش» است. برای این منظور لازم است، سقف منابع قابل واگذاری به هر واسطه تعیین شود، تضمین متناسب و قابل نقد شدن اخذ شود، تمرکز وجوه در اختیار یک شخص یا شبکه کاهش یابد و عملکرد تراستی‌ها به‌صورت مستمر رتبه‌بندی شود. بانک مرکزی باید بتواند وضعیت تعهد را به شکل نزدیک به زمان واقعی رصد کند و توقف یا تأخیر غیرعادی، پیش از انباشته شدن بدهی به صدها میلیون یورو، باعث تعلیق واگذاری جدید شود. همچنین نهاد معرفی‌کننده و مدیر تأییدکننده هر تراستی باید مشخص باشد تا مسئولیت در میان دستگاه‌های متعدد گم نشود. برخورد‌های اخیر این پیام را ارسال کرده که دوره تحمل بدهی‌های بزرگ و بی‌پاسخ رو به پایان است. باین حال نتیجه نهایی را نه تعداد پرونده‌ها و نه شدت ادبیات رسمی بلکه سه شاخص تعیین می‌کند: چه مقدار ارز واقعاً بازگشته است، چه کسانی در واگذاری و نظارت قصور کرده‌اند و چه تغییری در سازوکار ایجاد شده تا پرونده مشابه دوباره شکل نگیرد. اگر اقدام قضایی به شفافیت، پاسخگویی مدیران و اصلاح معماری انتقال ارز منجر شود، می‌توان آن را گامی برای صیانت پایدار از منابع عمومی دانست. در غیر این صورت، احتمال دارد چند متهم مجازات شوند اما چرخه‌ای که تراستی‌های پر قدرت و بدهی‌های بزرگ تولید می‌کند، با ناام‌ها و چهره‌های تازه ادامه یابد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکنند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیشايد.

شناسه آگهی: ۲۲۵۰۷۶۴۰

موسی حسین زاده

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بوئین زهرا

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

۱-برابر رای شماره ۱۹۱۶/۰۷۰۰۳۰۹۰۵۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی علی ابراهیمی نژاد به کد ملی ۵۰۹۸۶۶۰۱۸۱ فرزند ذبیح‌اله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۹۱۷۹ متر مربع از ۵۵ اصلی واقع در بخش ۹ موجب پرونده کلاسه ۲۴۷۶/۰۷۰۰۳۰۹۰۵۴۰۱۴۴۰۱۴ مورز گردیده است. ۲-برابر رای شماره ۰۳۸۰۴۰۷۰۰۳۰۹۰۵۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی علی ابراهیمی نژاد به کد ملی ۵۰۹۸۶۶۰۱۸۱ فرزند ذبیح اله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۶۲۲ متر مربع از ۵۵ اصلی واقع در بخش ۹ موجب پرونده کلاسه ۲۴۷۵/۰۷۰۰۳۰۹۰۵۴۰۱۴۴۰۱۴ مورز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که

@saazandeginews

saazandeginews

www.saazandegi.ir

سازندگ

مفقودی

برگ کمپانی خودروی سواری جک تیپ J5 مدل ۱۳۹۳ رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۴G۳۲DAE۰۰۴۶۸۱ و شماره شاسی ۶۹۱۷۰۶۹۱۷NAKNG۳۲۱EB۱۰ و شماره پلاک انتظلی ۷۱۹۴۱۵۰۱

به مالکیت خانم غزاله شهیدی به شماره ملی ۰۰۱۶۲۹۱۲۸۱ و وکالت آقای علی رجب زاده به شماره ملی ۷۵۸۰۷۸۵۲۸۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۱۶۷۹/۰۵۰۰۳۱۱۴۴۰۱۴ و رای شماره ۰۶۱۳۳/۰۵۰۰۳۰۷۰۰۵۰۵۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی : خانم مولود شاکردیور فرزند محمد به شماره ملی ۰۶۸۲۴۴۸۵۵۹ در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۶۴/۶۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۰ فرعی از ۱۹۳ اصلی واقع در بیدک بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی بابا (بیدکی) فرزند حسن محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

علیرضا حاج محمدی
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۰۵۰۰۰۴۷/۰۵۱۱۴۴۰۱۴ و رای شماره ۰۶۹۴۵/۰۵۰۰۳۰۷۰۰۵۰۵۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی : آقای رسول نیستانی فرزند محمدعلی به شماره ملی ۰۶۷۰۱۰۷۲۶۳ در شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۴۳۶۴/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۶۵ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در (امام وردی) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقای علی اکبر یزدانی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه آگهی ۲۲۶۱۳۷۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

علیرضا حاج محمدی
رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شهرستان بجنورد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۱۲۸۰/۰۵۰۰۳۱۱۴۴۰۱۴ و رای شماره ۰۵۸۶۵/۰۵۰۰۳۰۷۰۰۵۰۵۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی : آقای ابراهیم کمالی فرزند تاج محمد به شماره ملی ۰۹۷۲۵۱/۵۲۴۹۰ در شش دانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۷۲/۹۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵ اصلی واقع در (کهنه کند) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی نیاز علی باغچقی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه آگهی ۲۲۶۱۵۵۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

علیرضا حاج محمدی
رئیس ثبت اسناد و املاک

سایه سنگین سکه

چرا حقوق بنیادین زنان همچنان در اولویت نیست؟



مریم تجعفری‌مقدم

وکیل دادگستری

در ساختار حقوقی ایران هرگاه سخن از اصلاح قوانین مرتبط با حقوق زنان به میان می‌آید، بحث‌ها ناگهان «پیچیده»، «نیازمند بررسی‌های گسترده» و «وابسته به ملاحظات متعدد» معرفی می‌شود؛ گویی هر اصلاح کوچک در این حوزه مستلزم عبور از هزارتویی پایان‌ناپذیر است و برای رسیدن به نتیجه باید سال‌ها در انتظار بررسی، تصویب و اجرای آن ماند. اما همین دشواری‌ها به طرز قابل‌توجهی هنگام حمایت از مردان یا کاهش مسئولیت‌های قانونی آنان، رنگ می‌بازد و تصمیم‌گیری با سرعتی چشمگیر ممکن می‌شود.

نمونه روشن این الگو را می‌توان در ماجرای مهریه مشاهده کرد. درحالی که زنان سال‌هاست برای برخورداری از حقوقی بنیادین از حق تصمیم‌گیری درباره خروج از کشور و اشتغال گرفته تا حق پایان دادن به یک رابطه ناکارآمد، در انتظار

شهر

مجازات مهریه آب رفت!

با تصمیم نمایندگان اصولگرای مجلس، حبس و برخی از مجازات‌های مهریه منتفی شد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی طرح اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی، تغییرات مهمی در شیوه اجرای تعهدات مالی ناشی از مهریه تصویب کرده؛ مهم‌ترین تغییر، کاهش سقف ضمانت اجرای کیفری مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه است. براساس مصوبه مجلس، اصل تعیین مهریه همچنان در اختیار زوجین قرار دارد و برای میزان مهریه هنگام ثبت ازدواج، سقفی تعیین نشده است؛ تغییر اصلی به مرحله اجرای تعهد مربوط می‌شود. اگر مهریه بیش از ۱۴ سکه تعیین شده باشد برای میزان مازاد، توانایی مالی زوج و اموال قابل شناسایی او مبنای وصول قرار می‌گیرد و ضمانت اجرای حبس برای این بخش وجود نخواهد داشت. همین تغییر دو روایت متفاوت را مقابل یکدیگر قرار داده است؛ یک روایت از کاهش جمعیت زندانیان و پایان حبس بدهکارانی سخن می‌گوید که به دلیل شرایط اقتصادی، امکان پرداخت ندارند و روایت دیگر نگران از دست رفتن یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی زنان برای تضمین مطالبه مهریه است.

چرا قانون مهریه تغییر کرد؟

یکی از زمینه‌های اصلی این اصلاحات، افزایش شدید قیمت طلا و سکه و اثر آن بر پرونده‌های مهریه عنوان شده است. افزایش ارزش سکه باعث شده، تعهداتی که هنگام ازدواج تعیین شده‌اند، در زمان مطالبه ارزش مالی بسیار بیشتری پیدا کنند. در مقابل، درآمد بسیاری از زوج‌ها با همان سرعت افزایش پیدا نکرده و پرداخت اقساط برای برخی بدهکاران دشوار یا غیرممکن شده است. در نتیجه بخشی از پرونده‌های محکومیت مالی به دادگاه‌های خانواده رسیده و برخی بدهکاران نیز با خطر حبس مواجه شده‌اند. قانون‌گذار در طرح جدید تلاش کرده میان «بدهکار» و «مجرم» تفکیک بیشتری ایجاد کند؛ استدلالی که محور اصلی دفاع موافقان از مصوبه است.

۱۴ سکه؛ مرز جدید ضمانت کیفری

براساس مصوبه، مهریه تا سقف ۱۴ سکه همچنان در محدوده ضمانت‌های اجرایی پیش‌بینی‌شده، قرار می‌گیرد و پرداخت آن می‌تواند به‌صورت نقدی یا اقساطی و متناسب با وضعیت اعسار زوج انجام شود. نظارت الکترونیکی نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای اجرای حکم مطرح شده است. اما درباره مهریه بالاتر از ۱۴ سکه، مسیر وصول تغییر می‌کند. زوجه برای دریافت میزان مازاد باید توانایی مالی زوج را اثبات کند یا اموالی از او شناسایی شود تا طلب از محل آن وصول شود. بنابراین داشتن مهریه بالا به خودی خود به‌معنای

اصلاح قوانین نشسته‌اند، قانون‌گذار در حوزه مهریه مسیر متفاوتی را طی کرده است.

ابتدا سقف ضمانت اجرای حبس بابت عدم پرداخت مهریه به ۱۱۰ سکه محدود شد؛ سپس این سقف به ۱۴ سکه کاهش یافت و اکنون حتی درخصوص همین میزان نیز رویکرد قانون‌گذار به سمت جایگزینی حبس با پابند الکترونیکی و شیوه‌های غیرسالب آزادی در حرکت است. مجموعه این تغییرات، آن هم در فاصله‌ای نه‌چندان طولانی، نشان می‌دهد هرگاه اراده‌ای برای بازنگری در یک مقررره وجود داشته باشد، اصلاح قانون می‌تواند با سرعت و هماهنگی قابل توجهی پیش برود.

بسیار هم خوب؛ چنین سرعت و هماهنگی‌ای در حوزه اصلاح قوانین در اصل امر قابل ستایش است. مسئله اما خود سرعت نیست؛ مسئله این است که چرا این سرعت در همه

حوزه‌های حقوقی به یک اندازه دیده نمی‌شود. آنچه این وضعیت را معنادار می‌کند، تفاوت در ماهیت مطالبات است. بسیاری از مطالبات اصلی زنان، از حق طلاق تا حق کار و سفر الزاماً بار مالی بر دولت یا افراد تحمیل

امکان اعمال حبس برای کل مبلغ نخواهد بود. این درحالی است که در قانون پیشین ۱۱۰ سکه سقف ضمانت اجرای حبس محسوب می‌شد و اکنون این مرز به ۱۴ سکه کاهش یافته است.

حبس‌زدایی فقط به مهریه محدود نمی‌شود

اصلاحات جدید صرفاً درباره مهریه نیست. در بخش دیگری از مصوبه برای محکومیت‌های مالی که بدهکار در قبال آنها مالی دریافت نکرده است، ازجمله مهریه، دیه و جرایم غیرعمد، استفاده از نظارت الکترونیکی، جایگزین حبس فیزیکی شده است. موافقان معتقدند، فرد بدهکار با باقی ماندن در محیط اجتماعی امکان ادامه کار و کسب درآمد خواهد داشت و همین درآمد می‌تواند به پرداخت بدهی کمک کند؛ درحالی که زندانی شدن فرد، امکان اشتغال و درآمدزایی را از بین می‌برد. از این منظر حبس می‌تواند نه فقط برای بدهکار بلکه برای طلبکار نیز نتیجه نامطلوبی داشته باشد.

استدلال موافقان؛ زندان جای بدهکار مهریه نیست

طراحان و موافقان طرح، اصلاح قانون را بخشی از روند حبس‌زدایی در نظام قضایی می‌دانند. استدلال آنها این است که



زندان باید برای مجرمان و افرادی باشد که امنیت جامعه را تهدید می‌کنند نه کسی که به دلیل ناتوانی مالی از پرداخت بدهی بازمانده است. آنها همچنین تأکید دارند که مصوبه جدید به‌معنای تعیین سقف برای خود مهریه نیست و زوجین همچنان می‌توانند هر میزان مهریه‌ای را در سند ازدواج ثبت کنند؛ آنچه تغییر کرده ضمانت اجرای این تعهد است. سازوکارهای مربوط به شناسایی اموال و مقابله با فرار از دین نیز در این چارچوب مورد توجه قرار گرفته است. براساس استدلال موافقان، اگر زوج از توانایی مالی برخوردار باشد، کاهش ضمانت کیفری نباید به‌معنای مصونیت او از پرداخت باشد و اموال شناسایی‌شده، می‌تواند برای وصول طلب مورد استفاده قرار گیرد.

نگرانی زنان؛ اگر پشتوانه دیگری وجود ندارد

منتقدان مصوبه مسئله را فقط از زاویه زندان و بدهکاری مالی نمی‌بینند. پرسش اصلی آنها این است که در ساختار فعلی حقوق خانواده اگر ضمانت اجرای حبس مهریه کاهش پیدا کند، چه

نمی‌کند. حق انسانی، سکه و عدد و هزینه ندارد. با این حال همین حقوق غیرمالی بیش از هر موضوعی در بن‌بست «ابهام»، «حساسیت» و «ضرورت بررسی‌های دامنه‌دار» گرفتار شده‌اند؛ درست در همان زمانی که موضوع مهریه، با وجود بار مالی آشکار، پیوسته با اراده‌ای قاطع و در قالب مصوبات مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

در واقع، این تعارض را می‌توان نشانه‌ای از یک الگوی گسترده‌تر در سیاستگذاری حقوقی دانست؛ الگویی که در آن هرگاه موضوع به کاهش مسئولیت‌های مردان یا تغییر ضمانت اجراهای مرتبط با آنان مربوط باشد، قانون‌گذاری نه‌تنها ممکن بلکه تسریع‌شده، است؛ اما هنگامی که سخن از حقوق بنیادین زنان به میان می‌آید، مسئله ناگهان «ملی»، «حساس»، «پیچیده» و طبیعتاً زمانبر معرفی می‌شود.

این درحالی است که زنان سال‌هاست درباره همین حقوق سخن گفته‌اند، مطالبه کرده‌اند و درباره آثار محدودیت‌های موجود هشدار داده‌اند. بحث بر سر افزایش امتیازات مالی نیست؛ بحث بر سر حقوقی است که مستقیماً با کرامت، استقلال فردی و امکان تصمیم‌گیری درباره زندگی شخصی

ابزار مؤثری برای حمایت اقتصادی از زنان باقی می‌ماند؟ از نگاه منتقدان، مهریه در نظام حقوقی ایران صرفاً یک رقم ثبت‌شده در عقدنامه نیست و در بسیاری از خانواده‌ها، نقش پشتوانه اقتصادی زن را ایفا می‌کند؛ به‌ویژه در شرایطی که زن برای پایان دادن به یک زندگی مشترک از اختیار حقوقی مشابه مرد در زمینه طلاق برخوردار نیست. حق طلاق، حضانت، تعیین محل سکونت و برخی دیگر از حقوق خانوادگی ازجمله موضوعاتی هستند که منتقدان در کنار بحث مهریه قرار می‌دهند. استدلال آنها این است که وقتی این نابرابری‌ها همچنان وجود دارد، کاهش ضمانت اجرای مهریه بدون ایجاد ابزارهای جایگزین می‌تواند، قدرت چانه‌زنی زنان را کاهش دهد.

جایگزین حقوقی برای مهریه

منتقدان می‌گویند اگر قرار است، حبس از ضمانت اجرای مهریه حذف یا محدود شود هم‌زمان باید ابزارهای دیگری برای تأمین امنیت اقتصادی زنان ایجاد شود. حق طلاق برای زن، شرط تصفیه اموال، بیمه طلاق و تقویت شروط ضمن عقد ازجمله راهکارهایی است که در این زمینه مطرح شده‌اند. استدلال این گروه این است که زن برای خروج از یک زندگی مشترک برآسبب با مطالبه حقوق مالی خود نباید تنها به یک ابزار وابسته باشد و اصلاح قانون مهریه باید در کنار اصلاح سایر قوانین خانواده پیش برود.

تمکین؛ تغییر دیگری در متن مصوبه

موضوع تمکین نیز در اصلاحات مورد توجه قرار گرفته است. میان تمکین عام و تمکین خاص تفکیک صورت گرفته و بر اساس متن مورد اشاره، زن می‌تواند تمکین خاص را به دریافت مهریه منوط کند اما امتناع از تمکین عام می‌تواند بر استحقاق او برای دریافت نفقه اثر بگذارد. این تغییر می‌تواند، رابطه میان حقوق مالی زن و تکالیف زوجین در زندگی مشترک را تحت‌تأثیر قرار دهد و در پرونده‌های خانوادگی محل استناد قرار گیرد.

مصوبه‌ای فراتر از دادگاه خانواده

بحث اصلاح قانون مهریه به دادگاه و زندان محدود نمی‌شود. تغییر ضمانت اجرا می‌تواند بر نحوه توافق زوجین هنگام ازدواج نیز اثر بگذارد. در صورت کاهش پشتوانه اجرایی مهریه، ممکن است خانواده‌ها و زوجین هنگام عقد بیشتر به سمت شروط ضمن عقد، انتقال بخشی از دارایی یا توافقات مالی مشخص بروند. در مقابل موافقان امیدوارند، کاهش ضمانت کیفری از فشار پرونده‌های مالی بر دستگاه قضایی و زندان‌ها بکاهد و مانع گرفتار شدن افرادی شود که به دلیل ناتوانی واقعی مالی قادر به پرداخت بدهی نیستند. مصوبه مجلس اکنون برای بررسی نهایی در اختیار شورای نگهبان قرار گرفته است؛ مرحله‌ای که می‌تواند، سرنوشت این تغییرات و نحوه اجرای آنها را مشخص کند.

ارتباط دارد.

در آثار چنین تعارضاتی بسیار گفته و نوشته شده؛ با این امید که سرانجام مورد توجه قرار گیرد. اما در این میان یک واقعیت کمتر گفته‌شده وجود دارد: هیچ زن ایرانی برای «افزایش مهریه» مطالبه‌گری اجتماعی نکرده است. هیچ زن ایرانی خواهان افزایش حقوق مالی در نظر گرفته شده در قانون نبوده است. آنچه زنان طی سال‌ها برای آن مطالبه‌گری کرده‌اند حقوق انسانی، کرامت فردی و آزادی‌های ابتدایی بوده است.

با این حال اصلاحی که الزاماً هزینه‌ای برای دولت ندارد به دورترین مطالبه بدل شده و اصلاحی که به‌طور مشخص برای یک سوی رابطه امتیاز ایجاد می‌کند، در اولویت قرار گرفته است.

پرسش بنیادین همین‌جاست: اگر اراده و توان تصمیم‌گیری برای تغییر قوانین وجود دارد- چنان‌که در پرونده مهریه آشکار است- چرا همین توان در برابر حقوق غیرمالی و انسانی زنان خاموش می‌ماند؟

چرا وقتی قرار است یک ضمانت اجرای قانونی درباره مهریه تغییر کند، امکان اصلاح قانون در مدت کوتاه فراهم می‌شود اما وقتی صحبت از حق اشتغال، حق سفر یا حق طلاق زنان است، مسیر اصلاح قانون به موضوعی پیچیده و طولانی تبدیل می‌شود؟

شاید پاسخ را باید نه در نبود امکان حقوقی بلکه در نحوه اولویت‌گذاری جست‌وجو کرد. مشکل، نبود امکان حقوقی نیست؛ تفاوت در اولویت‌گذاری ارادی است.

میراث فرهنگی

قلعه‌ای که شهر بود

ماکو تاریخ‌اش را زیر صخره جا گذاشته



مریم اطمیابی

قلعه ماکو، تنها یک دژ نظامی نیست؛ بخشی از شهر قدیم ماکو است که در دل صخره «قیه»، نشانه‌هایی از زندگی شهری، معماری و تاریخ چند هزارساله منطقه را در خود جای داده است.

ماکو شهری در آغوش کوه است؛ اما بر فراز صخره «قیه» بقایای شهری تاریخی دیده می‌شود که زمانی پشت باروهای آن خانه، حمام، آب‌انبار، مسجد و کلیسا قرار داشت و ارگ آن محل فرمانروایی بود. پژوهش دکتر مهدی رازانی و قاسم عباسی، کارشناس ارشد مرمت، در سال ۱۳۹۸ محدوده این مجموعه را بیش از ۲۵۰ هکتار برآورد و آن را نمونه‌ای کم‌نظیر از معماری زیرصخره‌ای معرفی کرده است.

قدمت این محوطه به دوره‌های تاریخی محدود نمی‌شود. در کاوش‌های مهر و آبان ۱۳۹۵ به سرپرستی رضا حیدری، سفال‌هایی از دوره‌های پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی و شواهد معماری تیموری و صفوی به‌دست آمد. در بررسی‌های پیرامونی نیز ابزارهای سنگی مربوط به پارینه‌سنگی میانه با قدمتی حدود ۴۰ هزار سال گزارش شده که احتمال حضور نئاندرتال‌ها در این محدوده را مطرح می‌کند.

موقعیت مرزی ماکو در مجاورت قلمرو عثمانی بعدها به قلعه، نقشی استراتژیک داد. ارگ این مجموعه محل حکومت و دیده‌بانی خوانین ماکو بود. پنج کتیبه ازجمله یک کتیبه فارسی و کتیبه‌هایی ارمنی نیز در مجموعه شناسایی شده‌اند. کتیبه صفوی با تاریخ ۱۰۵۲ هجری قمری در بازخوانی پژوهشگران نام «عیان» را برای قلعه مطرح کرده است.

اکنون دغدغه‌مندان میراث فرهنگی خواستار ایجاد پایگاه برای قلعه و ثبت آن در فهرست جهانی هستند. از سوی دیگر، کهنوردان و صخره‌نوردان ماکو این صخره‌ها را ظرفیتی برای فعالیت ورزشی و گردشگری می‌دانند.

با این حال توسعه گردشگری نیازمند توجه به هشدارهای مربوط به سیلاب، ریزش سنگ و ناپایداری شیب است. بر همین اساس پیشنهاد تشکیل یک میز واحد برای قلعه قبان با برنامه، بودجه، زمان‌بندی و مسئول مشخص مطرح شده است؛ تا روشن باشد چه کاری، با چه بودجه‌ای، تا چه تاریخی و توسط چه نهادهی انجام خواهد شد.

